



مکانی که با هم هستیم / طبری و طبری / در پشت صحنه برنامه طلوع / مکتب چاروش همدان / جام جم

گزارشی از پشت صحنه برنامه صبحگاهی «طلوع»

نشاط بخشی صبحگاهی به سبک شبکه ۴

صفحه ۷

هوای کوهستان در محیط منزل و کار
کارشناسی و مشاوره (۱۰ خط) ۴۴۲۱۳۳۵
www.irandh.ir
سرج در صفحه ۵



دفتر پذیرش: ۲۷-۸۸۲۳۳۳۳-۲۱ / ۳۳-۲۲۲۳۷۲۰-۲۱ / ستوس آمان ۱۸۸۳
سازمان آگهیها: ۹-۸۸۶۷۲۲۸۵-۲۱

گفتگو

www.jamejamonline.ir

یکشنبه‌ها نوآوری‌های IT ایران و جهان

کلیک

حمله به «نود» بدتر از هجمه به مسی

علی افشار

برخی برخوردهای رسانه‌ای با برنامه تلویزیونی «نود»، بار دیگر نشان داد گروهی از منتقدان کماکان در تشخیص علت و معلول قضایا ناتوانند و به جای تحلیل علمی، هنوز شک دارند که اول مرغ به وجود آمده است یا تخم مرغ!

درواقع، این همان مشکلی است که سال‌هاست برخی هادر تقابل با رسانه‌ها داشته‌اند و به‌عنوان مثال، از نگاه آنها سازندگان فیلم‌ها و سریال‌های داستانی که بخشی از التهابات جامعه را به تصویر می‌کشند، متهم به این می‌شوند که با آثارشان به جامعه خط می‌دهند و...

در این شکی نیست که لحن و بیان سازنده اثر یا گوینده، در این گونه مواقع می‌تواند تعیین‌کننده باشد و کار همه برنامه‌های تلویزیونی یا سازندگان آثار تلویزیونی و سینمایی یا حتی نویسندگان، بی‌نقص و وحی منزل نیست، اما این هم یک ذهنیت ساده‌انگارانه و البته مغرضانه است که همه چیز را به رسانه نسبت دهیم و روی میزان درک، شعور و فرهنگ مخاطب کوچک‌ترین حسابی باز نکنیم.

برنامه نود در روز قرعه‌کشی مراسم جام جهانی ۲۰۱۴ - همان برنامه‌ای که پیامک‌های ۶/۵ میلیونی‌اش قدردانی رئیس رسانه ملی را همراه داشت - یک حاشیه داشت که به مدد برخی دوستان رسانه‌ای سایت‌ها و برخی جراید، آن حاشیه از متن پررنگ‌تر شد. شوخی فردوسی‌پور با یک فوتبالیست ایرانی که مدت‌ها سر زبان‌ها بوده و بعد از دهان به دهان چرخیدن، به زبان مجری برنامه نود آمد، چه ربطی می‌تواند به این برنامه داشته باشد؟ وقتی فردوسی‌پور می‌گوید هاشم بیگ‌زاده مأمور مهار مسی می‌شود، او درواقع راوی آن چیزی است که از جامعه گرفته و خود بانی این شوخی نبوده است. حال این که با یک مغلطه آشکار بخواهیم هجمه کاربران ایرانی به صفحه فوتبالیست آرژانتینی در شبکه اجتماعی را پای این مجری تلویزیونی و برنامه نود شبکه سه بگذاریم، نشانه بی‌انصافی و البته بازی با افکار عمومی است. مثل بیانیه‌ای که یکی از باشگاه‌های پرطرفدار علیه مجری برنامه نود نوشت و تسویه حساب‌های قبلی خود را نیز پای این ماجرا گذاشت تا با فردوسی‌پور بی حساب شود!

نکته جالب آن که فردوسی‌پور برای مقابله با همین جوسازی‌ها یک برنامه را مختص نقد مشکلات فرهنگی و رفتاری گروهی از کاربران اینترنتی قرار داد، اما باز هم از سوی عده‌ای مورد حمله قرار گرفت تا مشخص شود عده‌ای دوست دارند، مصرانه این حکم را صادر کنند که در دنیای مدرن رسانه، ناملاطمت و بی‌اخلاقی‌های اجتماعی صرفاً از رسانه‌ها بیرون می‌آید و هیچ عامل دیگری در پدید آمدن این گونه ناهنجاری‌ها دخیل نیست، جز قدرت رسانه و این شبیه همان برخوردی است که از سوی دوستان کارشناس مدت‌هاست با هنر سینما (که قرار است آینه اجتماع و بیش‌تری بر عده‌های چرکین باشد) سر زده است.

آنچه در این زمینه حائز اهمیت به نظر می‌رسد، تشابه هجمه غیرفرهنگی گروهی از کاربران ایرانی به صفحه اجتماعی لیونل مسی با رفتاری است که عده‌ای با عادل فردوسی‌پور در این مدت داشته‌اند. البته این واقیعت را هم باید در نظر گرفت که نه آن عده قلیل نماینده جمعیت ۷۰ میلیونی ایران هستند و نه این عده کم، اما کاش منصف باشیم و تلاش کنیم آنچه در تاریخ می‌ماند، نسبتی با حقایق داشته باشد.

سینما تیر انداز / در اندیشه رسیدن به دغدغه همیشگی

در سال‌های اخیر، بازیگران زیادی ایستادن پشت دوربین کارگردانی در تلویزیون یا سینما را تجربه کرده‌اند و بسیاری از آنها نیز توانسته‌اند کارهای موفق‌تری از خود به جای بگذارند. یکی از دغدغه‌های سینما تیر انداز بازیگر مجرب تلویزیون نیز فعالیت در عرصه کارگردانی و کار با مضامین اجتماعی بوده است. او این قضیه را در تازه‌ترین گفت‌وگوی خود ابراز کرده و گفته است: اگر شرایط فراهم شود، علاقه‌مندم درباره مسائل اجتماعی - که دغدغه همیشگی من بوده است - کاری را



کارگردانی کنم. تیر انداز که در زمینه کارگردانی تئاتر فعالیت کرده، در این زمینه گفته است: اگرچه این حیطه، بسیار متفاوت از تئاتر است، اما من به فعالیت در عرصه کارگردانی سریال‌های تلویزیونی فکر می‌کنم. در کارگردانی تلویزیونی باید به دوربین و موارد تکنیکی آن توجه کرد که اساساً در تئاتر چنین چیزهایی وجود ندارد و باید به این ابزار فنی آگاهی داشت.

تیر انداز که آخرین بار با بازی در سریال طنز دودکش (محمدحسین لطیفی) در تلویزیون ظاهر شد، بازی در سریال ستایش ۲ (سعید سلطانی) را به پایان رسانده و فیلم تلویزیونی روزهای آخر اسفند (پهروز شبیبی) نیز یکی از تازه‌ترین فیلم‌های تلویزیونی است که در آن بازی کرده و به احتمال زیاد، نوروز ۹۳ روی آنتن خواهد رفت.

رضا صادقی / همکاری دوباره با تلویزیون

«من صدا ندارم، بر حسم متکی‌ام. حس‌های متفاوت را ارائه می‌کنم تا ببینم چقدر مورد اقبال قرار می‌گیرد و همان را به نحو دیگری دوباره انجام می‌دهم.» این تلقی رضا صادقی، خواننده‌ای است که در تلویزیون هم فعالیت‌هایی داشته و سازندگان سریال‌ها یا برنامه‌های تلویزیونی، حس کار خود را با صدای او کامل کرده‌اند. انتشار خبر ضبط ترانه عنوان‌بندی پایانی سریال رخنه (حسین تبریزی) با صدای رضا صادقی، او را جزو چهره‌های خبرساز هفته گذشته قرار داد. این اثر با آهنگسازی محمدمهدی گورنگی و براساس ترانه‌ای از رضا صادقی ساخته می‌شود. «رنه» به سفارش گروه مجموعه‌های تلویزیونی شبکه دو و به نوبسندی و کارگردانی حسین تبریزی در حال تولید است. حضور رضا صادقی در تلویزیون پس از خواندن ترانه پایانی سریال‌هایی چون ملکوت، دودکش و موج و صخره و برنامه تلویزیونی صبحی دیگر، تازه‌ترین فعالیت تلویزیونی او به شمار می‌رود. صادقی در سینما نیز ترانه عنوان‌بندی فیلم سینمایی پایان دوم را خوانده و در فیلم خداحافظی (احمد امینی) نیز بازی کرده است؛ فیلمی که خیلی‌ها آن را درباره زندگی این خواننده معرفی کردند، اما به گفته خود، او فقط ۵ درصد این فیلم درباره زندگی و شخصیت او بوده است.



شبنم قلی خانی / انتقاد از شبکه‌های اجتماعی

صحبت‌های شبنم قلی‌خانی، بازیگر تلویزیون و سینما در برنامه تلویزیونی کافه سوال او را بین چهره‌های خبرساز هفته‌ای که گذشت قرار داد. فصل جدید سری برنامه پربیننده کافه سوال - که به روابط مدرن دنیای امروز و شبکه‌های اجتماعی می‌پردازد - هفته گذشته میزبان شبنم قلی‌خانی بازیگر سریال مریم مقدس بود. او که صفحات تقلبی زیادی به نامش در فضای مجازی وجود دارد، گفت: وقتی خارج از کشور به سر می‌بردم، متوجه شدم عکس جعلی از من و همسرم در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده و حتی



به صفحاتی که این عکس را منتشر کرده بودند پیام دادم که این عکس و شرح آن را حذف کنند، اما هیچ‌کدام از این پیام‌ها کارساز نبود. قلی‌خانی در این برنامه به این نکته هم اشاره کرده که اگر درباره کارکرد شبکه‌های اجتماعی، فرهنگ‌سازی لازم انجام شود، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. او گفته است: همان‌طور که از سینما و تلویزیون استفاده می‌کنیم و به وسیله آن، به بیان حرف‌های خود می‌پردازیم، می‌توانیم از شبکه‌های اجتماعی در جهت درست بهره ببریم، ضمن آن که خانواده‌ها نیز در مسیر فرهنگ‌سازی می‌توانند نقش موثری داشته باشند و با مدیریت خود، فرهنگ درست استفاده از شبکه‌های اجتماعی را جا بیندازند.

فاطمه گودرزی / تاثیر پذیری از منش زنان

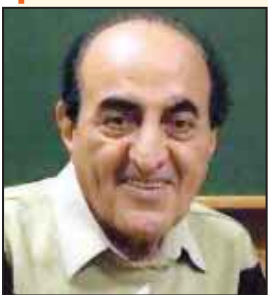


حضور تازه فاطمه گودرزی در تلویزیون، بار دیگر توانایی این بازیگر را به نمایش گذاشته است. پیش از این بازی او را در سریال‌هایی چون فاصله‌ها، پس از سال‌ها، آپارتمان، ترانه مادری و در دسر والدین دیده بودیم. او درباره تازه‌ترین حضورش در سریال تلویزیونی «خانه‌ای روی تپه» که این روزها با بازی او از شبکه دو در حال پخش است، گفته است: برای بازی در این سریال، از زنان شمالی مشاوره گرفتیم و در طول کار، تحت تاثیر منش و رفتار آنها بودم. به نظر بانوان شمالی، مترقی و مهربان هستند.

او که در این سریال با گویش گیلانی ایفای نقش کرده، در این زمینه گفته است: راستش را بخواهید، خودم پیشنهاد دادم این نقش را با گویش گیلکی ایفا کنم که تهیه‌کننده و کارگردان این پیشنهاد را پذیرفتند و من هم تلاش کردم این گویش را بدرستی ارائه دهم و برای این که هر طور شده، خودم را به گویش درست نزدیک کنم، از خود گیلانی‌ها کمک گرفتم و چند نفر اشکالاتم را رفع کردند.

فاطمه گودرزی بازتاب بازی خود را بین گیلانی‌ها مثبت ارزیابی کرده و گفته است: آنها بسیار راضی بودند و به من گفتند آن قدر نزدیک به گویش ما صحبت می‌کنی که نمی‌توانیم هیچ ایرادی از گویش بگیریم.

تورج نصر / فعالیت مجدد در رادیو



تابستان امسال خبر بستری شدن تورج نصر بازیگر، گوینده و هنرمند قدیمی عرصه دوبله موجب نگرانی علاقه‌مندان این عرصه شد و حالا انتشار خبر فعالیت مجدد او در این عرصه، نشان می‌دهد که فعالیت دوباره در رادیو چقدر برایش امیدوارکننده است و تا چه حد می‌تواند سبب غلبه او بر بیماری شود و او را سر پا نگه دارد. برنامه «جمعه سلام» تازه‌ترین فعالیت تورج نصر است که با حضور او در کنار عباس محبی و ویدا شهشهانی در قالب طنز نمایشی، عصر هر جمعه روی آنتن رادیو تهران می‌رود. تورج نصر خالق صدای شیپورچی در کارتون پسر شجاع، شوتن در ای کیوسان، کاپیتان در جیمبو، عموی بلفی در بلفی و لیلیبت، تاتسونوری در سال‌های دور از خانه و برادر هانیکو در داستان زندگی بوده است؛ صداهایی که به گفته خود او، خلق صدا بوده است نه صرف دوبله. او در این زمینه عقیده دارد: من چند صدا را برای هر شخصیت در نظر می‌گیرم، سپس جلوی آینه تمرین می‌کنم و خود را جای شخصیت قرار می‌دهم و صداهای مختلف درمی‌آورم تا به صدای مناسب برسم که روی شخصیت بنشیند. در واقع کار اصلی صداسازی است و رسیدن به این هدف، برایم خیلی اهمیت دارد. تابستان امسال تورج نصر به دلیل مشکلات ناشی از بیماری قلبی در استراحت مطلق به سر می‌برد و پزشکان، او را ممنوع‌الملاقات کرده بودند.

امیر سهیلی / دل‌تنگی برای سلطان



امیر سهیلی، مجری و بازیگر نقش سلطان در برنامه کتابخانه پورنگ، این روزها به یکی از شخصیت‌های پرطرفدار این برنامه بدل شده و این در حالی است که خودش از ابتدا به این موفقیت امیدوار نبوده است. سهیلی در این زمینه گفته است: وقتی نقش سلطان به من پیشنهاد شد، گفتم این کاراکتر به درد من نمی‌خورد. من شخصیت پرجنب و جوشی دارم. این در حالی است که از ویژگی‌های بارز سلطان، تنبلی و گوشه‌گیری و کم‌حرفی

است؛ اما حالا قضیه فرق کرده است. من در برنامه کتابخانه پورنگ، نقش یک شیر را به نام سلطان بازی می‌کنم که خوب شخصیت‌پردازی شده و مخاطبان باورش کرده‌اند، با او می‌خندند و گریه می‌کنند و همین مساله نشان می‌دهد که ما در خلق شخصیت سلطان موفق بوده‌ایم. سهیلی با بیان این که مخاطب سلطان فقط بچه‌ها نیستند، گفته: ما برای خانواده‌ها برنامه‌سازی می‌کنیم. به همین سبب بخشی از دیالوگ‌های من نیز خطاب به بزرگ‌ترهاست. سلطان شیر متفاوتی است، سرشار از تناقض است و به کتابخانه می‌رود و در کنار آن مغزش به فضای مجازی متصل می‌شود. همه این تفاوت‌ها سبب به وجود آمدن شیرینی‌هایی شده که سلطان را برای مخاطبان جذاب کرده است.

به گفته سهیلی، موفقیت نقش سلطان موجب شده که نگرش اولیه‌اش درباره این کاراکتر تغییر کند. او گفته است: حالا اوقاتی که لباس سلطان به تن ندارم و از این شخصیت فاصله می‌گیرم، دلم برایش تنگ می‌شود.

روایت تاریخ با درام اجتماعی

سهیلی زاده در «آوای باران» فراز و فرود یک دختر متکدی را به تصویر می کشد

مریم رها



«آوای باران» به کارگردانی حسین سهیلی زاده و تهیه کنندگی محمد هاشمی اصل، سریالی ملودرام اجتماعی است که از شانزدهم آذر، از اول هفته تا چهارشنبه شبها، ساعت ۲۰ و ۴۵ دقیقه از شبکه سه سیما روی آنتن رفته است. این سریال قصه زندگی پر فراز و فرود دختری به نام باران است که در دو مقطع زمانی به تصویر کشیده می شود. باران دختر طاهرا ریاحی، داروساز و تاجر بزرگ و معتبری است که پس از شهادت همسر اولش در سانحه سقوط هواپیمای ایرباس بر فراز خلیج فارس، قصد دارد با مرضیه خواهر دوست قدیمی اش، ازدواج کند اما پیش از ازدواج به دلیل پاپوشی که جمعی از تاجران دارو برای او می دوزند، در ترکیه محکوم به حبس ابد می شود و حضانت باران و اداره شرکت به خواهرزاده طاهرا، یعنی نادر توتونچی سپرده می شود. زیور همسر نادر - که زنی جاه طلب و زیاده خواه است - با باران برخورد بدی دارد و خود را خانم می داند. باران پس از مدتی از خانه فرار می کند و به دام باندهای خلافکار و تکدیگر می افتد و... در سکانس ابتدایی این سریال که یکی از بهترین سکانس های آن است، یک متکدی تصویر می شود که پشت در خانه ایستاده و جلوی باران که آمده در را باز کند، ظاهر می شود. باران از او می خواهد گردنبندش را بلزدد. می ترسد و در همین حال پدرش سر می رسد و متکدی فرار می کند. این سکانس بسیار هوشمندانه انتخاب و گرفته شده است که گویای ماجرای کلی این مجموعه تلویزیونی است.

دیر زمانی از پخش سریال همه بچه های ما به کارگردانی تاجبخش فنائیان نمی گذرد که بینندگان تلویزیون باز هم شاهد پخش سریالی دیگر با تم تکدیگری و کودکان کار هستند، با این تفاوت که آوای باران بعد دراماتیک بیشتری دارد و قصه اش جاندارتر است. البته شاید یکی از دلایل این موضوع، تعدد سوژه های داستانی همه بچه های ما باشد. سریال سهیلی زاده با محور قرار دادن یکی از این کودکان، زیر و بم زندگی او را واکاوی می کند و فرصت بیشتری برای داستان پردازی و پرداخت دراماتیک در اختیار دارد. در این سریال با داستان های فرعی و خرده پیرنگ هایی مواجهیم که علاوه بر رنگ آمیزی اثر هر کدام به گونه ای با عمقی متفاوت در سرنوشت باران موثر خواهند بود. داستان هایی مثل مجادله مرتضی، برادر نامزد طاهرا بر سر احتکار دارو و دادگاهی که برای او همراه تعدادی از قربانیان به راه می اندازند یا فراموشی مادر بزرگ و از دست دادن حمایت او و... اما یکی از این داستان های فرعی که قرار است تاثیر عمیقی در زندگی باران داشته باشد، داستان مرگ مادر باران است که در سانحه هوایی شهید می شود، اما این داستان مدام در دیالوگ های اشخاص فیلم گفته می شود و یکی دو بار در فلاش بک، لحظه خداحافظی او را برای آخرین پروازش می بینیم. واقعیت این است که گرچه عوامل اصلی این سریال قصد داشته اند این موضوع ترویجی و سانسور تاریخی را در روند زندگی باران موثر نشان دهند، اما در این امر موفق نبوده اند؛ چرا که علت مرگ مادر اهمیتی پیدا نمی کند و فقط نبود او ایجاد خلأ می کند و ناخودآگاه داستانی که هر بار از سوی بازیگران درباره چگونگی مرگ مادر عنوان می شود، زائد به نظر می رسد. دلیل عمده آن به کارکرد این خرده داستان برمی گردد. وقتی اتفاقی در گذشته می افتد که در همان زمان اتفاق کامل و دفن می شود و هیچ ابهامی یا خطری برای آینده ایجاد نمی کند، عملا داستان پایان یافته است و روایت داستانی تمام شده در خاطرات و یادآوری ها، فراتر از

جذاب است. سام درخشانی و الهام چرخنده که دو شخصیت نادر و زیور را بازی می کنند، هر دو قابلیت تغییر در این دو سن متفاوت را دارند. گرچه در نگاه اول انتخاب این دو به عنوان زن و شوهر با توجه به درشتی زیور چندان جالب به نظر نمی رسد، اما چهره پردازی و شیوه بازی هنرمندانه آنها، این ضعف را پوشش می دهد. بی اغراق سام درخشانی بهترین بازی خود را ارائه کرده و شاید بتوان گفت برای اولین بار است که شاهد بازیگری او به معنای نمایشگری هستیم و اما الهام چرخنده که شخصیت منفی این سریال است، او نیز این نقش را بسیار شیرین و درست بازی می کند. استفاده زیاد و البته به جا از میمیک صورت و رفتارهای بدنی باز و درشت به شخصیت پردازی زیور (که زنی پرتوقع و در عین حال قدرتمند و حقه باز است) کمک زیادی کرده است. از میان دیگر بازیگران نیز سپیده خاوردی که نقش مرضیه را بازی می کند، به عنوان زنی خوش قلب، خوش درخشیده و حرکات ریز و ریتم کنده در بازی خود دارد که با توجه به شخصیتش، مناسب و بالطبع باورپذیر است. البته لجه شهرستانی او با برادری که فارسی سلیس صحبت می کند، همخوانی ندارد و اما بازی ثریا قاسمی در نقش مادر ریحان، در سکانس شام خوردن، هنگامی که زیور می رود تا باران را کتک بزند، یکی از زیباترین لحظات این سریال در بخش های اولیه است که از خاطر مخاطب نخواهد رفت. در مجموع سهیلی زاده در بازی گرفتن بازیگران، بسیار خوب عمل کرده است و این توانایی او را درباره بازی گرفتن از دو نقش کودک نیز بخوبی می توان دید، اما او در انتخاب بعضی از بازیگران چندان دقیق عمل نکرده و برای جبران، آنها را بیشتر در پس زمینه دیگر بازیگران قرار داده است. البته یکی از ویژگی های آثار او، فضا دادن به بازیگران کم تجربه و تازه کار است که هم ستودنی است و هم در بعضی موارد به کلیت کار آسیب می زند، بویژه آنجا که این بازیگران در کنار بازیگران خوب با بازی های قدرتمند آنها قرار می گیرند.

یک نوستالژی آن هم برای دیگر شخصیت ها نخواهد بود. کافی بود نویسندگان این سریال برای نیل به هدف خود و کارگردان، نقطه ابهام و احتمال خطری از بابت چرایی مرگ مادر برای فرزند ایجاد می کردند تا همزمان که یک ملودرام اجتماعی را می نویسند، به آن بعد تاریخی هم بیفزایند. این موضوع علاوه بر متن، در فرم ساختاری مجموعه نیز تاثیرات نه چندان مطلوب گذاشته است. این سریال در دو مقطع یا فصل روایت می شود؛ یکی کودکس باران و دیگری دوران جوانی او. فصل اول و کودکی او را در سال ۱۳۷۲ می بینیم که نزدیک به سال مرگ مادر انتخاب شده که از نظر زمانی با آن واقعیت تاریخی که اکنون جایگاه حقیقی خود را در این سریال نیافته است، مصداق داشته باشد و طبیعتا نشان دادن شرایط محیطی آن سال ها در خیابان ها و مکان های عمومی اتفاق می افتد و نه در استودیو یا شهرک های سینمایی. قبول کنیم کار در فضای شهری شلوغ مثل تهران، چشم های تیزبین و حواس جمع گروه کارگردانی را می طلبد تا مبادا ماسکین هایی که اکنون در خیابان ها می تازند یا تلفن های همراه، باجه های تلفن جدید و مواردی از این دست، در قاب تصویر رخ بنمایند. پروسه این اقدام البته بسیار دشوار است و باعث می شود کمتر از نماهای لانگشات و باز استفاده شود و البته گروه سازنده این سریال، بخوبی از عهده انجام آن برآمده اند، بنابراین لوکیشن های زیاد این فیلم نتوانسته اند آن طور که باید و شاید رخ بنمایند و نماهای بسته، مانع دیدن مناظر مختلف شهری شده است.

طراحی لباس، چهره پردازی و انتخاب بازیگرانی که هر کدام قرار است در دو مقطع زمانی متفاوت از آنها دیده شود، از ویژگی های مثبت این مجموعه تلویزیونی است. همچنین تصویربرداری یکی دیگر از ویژگی های خوب آن است که به جذابیت بصری سریال افزوده است. قاب ها و تک پلان های زیبایی که در سریال دیده می شود، در تدوین کم نقص کار، ریتم خوبی دارد که برای مخاطب

مردم در قاب

تلویزیون دانشجویی

رکسانا قهقرایی

از همان سال اولی که وارد دانشگاه شد و دانشجویان سال های بالاتر به طعنه ترم اولی خطابش می کردند سعی کرد رفتاری در پیش بگیرد که در طول چهار سال تحصیلات کارشناسی اش و احتمالا بعد از آن او را موفق کند. برای مثال با خودش قرار گذاشت روزانه به طور میانگین دو سه ساعتی مطالعه آزاد داشته باشد. از کتاب هایی در حوزه اطلاعات عمومی گرفته تا بحث های سنگین و دشوار فلسفی همگی برایش سوژه هایی برای انتخاب بود. سعی می کرد تا آنجا که امکان دارد از خوردن فست فود پرهیز کند و تاکیدش بر غذاهای خانگی بود. حتی اگر آشپزی وقت زیادی از او می گرفت و گاهی باعث می شد بموقع به درس هایش نرسد. در بحث های کلاسی مشارکت می کرد و نظراتی می داد که از یک دانشجوی نوزده ساله بعید به نظر

می رسید. محمدجواد به دلیل پیگیری علاقه های شخصی اش در همان سال اول تحصیل کم کم به عنوان یک نخبه در جمع استادان، دوستان و همکلاسی هایش شناخته شد. او ترجیح می داد به جای تفریح به مطالعه بپردازد و فرصتی را به خودسازی و بالا بردن سطح اطلاعات خود در بیشتر حوزه ها بویژه رشته تحصیلی اش یعنی ادبیات فارسی اختصاص دهد. او همچنین اعتقاد داشت فناوری و دانش در عصر حاضر با چنان شتابی در حال حرکت است که



چاره ای جز هم مسیر شدن با آن و دوییدن برای رسیدن به بهترین بخش هایش نیست. محمدجواد عادت دیگری هم داشت. او برخلاف هم اتاقی های خود در خوابگاه دانشجویی ساعاتی از روز را به تماشای تلویزیون اختصاص می داد. خوابگاه آنها یک تلویزیون داشت که آن هم در اتاقی با همین نام قرار داده شده بود. بنابراین یک دستگاه و سلیقه های مختلف دانشجویان معمولاً به جرح و بحث های مقابل جعبه جادویی منجر می شد، اما محمدجواد به لطف فناوری و امکانات ارتباطی گسترده فعلی، برنامه های تلویزیون را از طریق سایت شبکه ها دنبال

می کرد و در جریان آخرین اخبار و حواشی شان قرار می گرفت. مصاحبه های بازیگران و دست اندر کاران فیلم ها و سریال های تلویزیونی را پیگیری می کرد و دلش می خواست روزی مجری برنامه مشاعره شود، چراکه تمریناتی را هم در حوزه بیان داشت و سعی می کرد هنگام صحبت کردن صدای خود را بشنود؛ یعنی اصل مهمی که در تقویت فن بیان مورد توجه است. حتی گاهی تلاش می کرد لحن مجریان توانمند تلویزیون را تکرار کند و شبیه آنها سخن بگوید. او تلویزیون را به عنوان یک منبع علمی قابل استناد می شناخت و گمان می کرد چه ابزاری می تواند بهتر از تلویزیون بسته های خبری را با چنین فشردگی و اختصاری در مدت زمانی کوتاه به بینندگان ارائه کند، یا این که بیننده درگیر قصه سریال هایی شود که انگار از زندگی خودش الگو گرفته است. همین دلایل باعث می شد محمدجواد رایانه اش شخصی اش را بسیار دوست داشته باشد؛ چراکه رایانه اش برای او صرفاً یک وسیله ساده مثل بقیه وسایل نبود، بلکه آن را تلویزیون دانشجویی خطاب می کرد.

به صورت جزئی به مباحث ورود یافت و نه آن قدر کوتاه است که اصل تنوع خبری خدشه دار شود. برنامه تلویزیونی نود گذشته از آن که یک برنامه ورزشی تخصصی است از توجه به فرهنگ و سن ایرانی نیز غفلت نکرده است. چنانچه در پی تهاجم صورت گرفته به مسی، یکی از بازیکنان تیم ملی آرژانتین، مبنی بر هم‌گروهی با ایران در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل، جمشید مشایخی به نمایندگی از جامعه هنرمندان با این برنامه تماس تلفنی برقرار کرد و پیام خود را خواند. «ایرانی بی‌ادب نیست و این اصلا امکان ندارد. ما در رشته ادب، بزرگان زیادی داریم و باید برای بقیه الگو باشیم. تیم ما نماینده ایران در جام جهانی است و می‌خواهد نهال عشق و دوستی را بر دل همه مردم جهان بنشانند. مسی از بهترین فوتبالیست‌های جهان است. من کتف مردانه او را می‌بوسم و می‌گویم آنها که روی صفحه شخصی تو پیغام گذاشته‌اند، ایرانی نبوده‌اند.»

این برنامه حتی به مسائل اخلاقی و فرهنگی درون‌بخشی هم توجه ویژه‌ای دارد. برای مثال زمانی که به بهانه‌های مختلف روسای کمیته انضباطی یا کارشناسان فوتبال در برنامه نود حضور می‌یابند و از ضرورت‌های اخلاقی در این رشته ورزشی سخن می‌گویند، آنها رویدادهای غیراخلاقی را مذمت کرده و از برخوردهای نادرست گاه و بیگاه مریبان تیم‌ها با داوران می‌گویند.

نکته جالب توجه در این برنامه، برخورد خلاقانه با نقص‌هاست. به این معنی که نقص‌ها اگر چه گاه به طرز وضوح روی آنتن زنده حضور دارد، اما در نود دیده نمی‌شود یا دست کم در قیاس با دیگر موقعیت‌های برنامه جایگاه چندانی ندارد. به طور کلی برنامه‌های زنده به دلیل غیرقابل پیش‌بینی بودنشان ممکن است در موقعیت‌هایی خاص با برخی ناهماهنگی‌ها مواجه شوند که این مساله در برنامه نود بخوبی از سوی مجری برنامه هدایت شده و به آن جهت داده می‌شود. به گونه‌ای که این ناهماهنگی‌ها یا مشکلات فنی و تکنیکی ناگزیر در اجرای برنامه دخالت داده می‌شود و با طرح این مسائل و تاکید بر آنها از سوی فردوسی‌پور، نوعی عادی‌سازی در ذهن و تفکر بیننده رخ می‌دهد. بنابراین دیگر جای اعتراضی برای مخاطب باقی نمی‌ماند، زیرا پیش از این از سوی مجری در میان گذاشته شده است.

با توجه به همه توضیحات ارائه شده در این زمینه می‌توان برگزاری مراسم قدردانی از برنامه نود و دست‌اندرکارانش را به بهانه پوشش مراسم قرعه کشی جام جهانی ۲۰۱۴ فرصتی برای معرفی یک برنامه موفق ورزشی و برشمردن معیارها و شاخصه‌های آن دانست و الگویی برای دیگر برنامه‌ها که با هدف و رویکردی مشابه سعی در پوشش اخبار حوزه ورزش به طور کلی یا رشته‌ای خاص از آن دارند، دانست.



برنامه نود؛

یک برند ورزشی و رسانه‌ای

در خور، به دلیل اتخاذ رویکردی تخصصی به ورزش آن هم در یک رشته ورزشی خاص یعنی فوتبال به عنوان منبعی قابل استناد برای تغذیه خوراک خبری بسیاری از رسانه‌های دیداری، شنیداری و مکتوب مورد توجه اصحاب رسانه قرار دارد. این مرجعیت در حدی است که گاه تپتر یک روزنامه‌های مطرح ورزشی تا پایان این برنامه انتخاب نشده باقی می‌ماند تا مهم‌ترین مباحث و سرفصل این گفت‌وگوها به عنوان مهم‌ترین خبر روزنامه‌ها گزینش شود و به چاپ برسند. یکی دیگر از دلایل موفقیت برنامه تلویزیونی نود را بدون تردید باید به ویژگی‌های کاربزماتیکی و انحصاری مجری آن نسبت داد. بی‌شک همان قدر که برنامه نود به عنوان یک برنامه برند از شبکه سه سیما به پخش می‌رسد، عادل فردوسی‌پور خود نیز در هویت بخشی به این برنامه تأثیر گذار بوده و این هویت‌مندی تا حدی پیش رفته است که شاید اجرای فردی غیر از او در این برنامه برای بیننده قابل پذیرش نباشد.

نود همچنین حاصل اتفاقات رشته ورزشی فوتبال در بازه زمانی یک هفته‌ای است و این زمان مورد بررسی فضا را برای تهیه‌کننده و دیگر دست‌اندرکاران آن فراهم می‌کند تا بتوانند به صورت موجز و در عین حال با نگاهی کلی تمامی رویدادهای هفته‌ای را که گذشته است، بررسی کنند. به عبارتی، زمان انتخاب شده برای این دیدبانی نه آن قدر زیاد است که نتوان

رایانامه به برنامه یا برقراری تماس تلفنی در روند برنامه‌سازی خود را سهیم می‌کند، شدت می‌گیرد. برنامه‌های زنده تلویزیونی از منظری دیگر نیز قابل تامل و بررسی هستند و آن موضوع و محور مباحثی است که به آن می‌پردازند. بعضی موضوعات ماهیتا سوبیهایی پویا و هیجان‌انگیز دارند و به دلیل برخی زمینه‌سازی‌های از پیش تعیین شده، بسترها و ظرفیت‌های مناسبی برای ارائه به مخاطب دارند. به عنوان مثال وقوع یک رویداد در حوزه‌های خاص، ایده‌ای در اختیار برنامه‌سازان قرار می‌دهد و با توجه به پخش روتین یا هفتگی برنامه‌های زنده تلویزیونی این ایده به سرعت در دستور کار برنامه قرار گرفته و بسته به پیامدهای مثبت و منفی آن در زمانی مشخص بررسی می‌شود.

برنامه تلویزیونی «نود» که بیش از ۱۴ سال از آغاز پخش آن می‌گذرد، می‌تواند به عنوان الگوی یک برنامه موفق ورزشی مورد توجه برنامه‌سازان قرار گیرد. این برنامه علاوه بر معیارهای تکنیکی و ساختاری

فصلیه سالک

برنامه‌های زنده تلویزیونی به دلیل پخش مستقیم، از نظر زمانی حساسیت‌های خاصی دارند. این نوع برنامه‌ها معمولاً پویا و فعال هستند و پخش آنها با استقبال بیشتری از سوی مخاطب مواجه می‌شود. برنامه‌های زنده در صورت داشتن معیارها و استانداردهای برنامه‌سازی یا دست‌کم نزدیکی نسبی به این ویژگی‌ها، کیفیت بالایی خواهند داشت که هم در ساختار و هم در فرم کار نمود پیدا می‌کند.

این گونه برنامه‌ها، با توجه به محتوایشان سطحی از نشاط و هیجان را برای مخاطب خود ایجاد می‌کنند که همین مساله باعث تفاوتشان با دیگر برنامه‌هاست.

به نظر می‌رسد هم‌زمانی مخاطب با زمان وقوع رویدادهای یک برنامه زنده، مهم‌ترین و اصلی‌ترین دلیل توجیه جذابیت این برنامه‌هاست. صرف نظر از این که چه محتوایی داشته باشند تجربه هم‌زمانی این احساس را در بیننده تقویت می‌کند که جایگاهی برابر با برنامه‌سازان و دست‌اندرکاران تولید و پخش یک برنامه تلویزیونی دارد، بنابراین می‌تواند در رابطه‌ای متقابل و طی کنش و واکنشی فعال حضور خود را در برنامه به اثبات برساند.

این احساس بویژه زمانی که مخاطب از طریق دیگر امکانات و جریان‌های ارتباطی نظیر ارسال پیامک یا

فروش ویژه گیلان بندر انزلی
شهرک گل ناز - ساحلی
ویلی آمانده و زمین داخل شهرک
فول امکانات، سنددار، به صورت نقد و اقساط
۰۱۱۴ تا ۰۲۶۸۳۰۱۳
۰۹۱۱۸۱۳۴۶۰ - ۰۹۱۱۶۴۸۳۴۶۰

قابل توجه آماره‌ها، ارگان‌ها، شرکت‌های دولتی و خصوصی
زمین به مساحت ۱۷۰۰ مترمربع
تجاری، فول امکانات با بر فوق‌العاده
قابلیت ساخت و ساز بهترین‌ها در منطقه
(پاستر، مجتمع و ...) با سه طبقه تراکم تجاری
آخذ شده توسط شهرداری با قیمتی استثنایی
و سند شش دانگ شخصی و بی واسطه
به فروش می‌رسد.
آدرس: زشت، غابان میقان، میدان بسیج
انتهای تهران آیت ... امین نقش
بازدید با تعیین وقت قبلی
قیمت متری ۳/۵۰۰/۰۰۰ تومان
۰۹۱۷۵۰۷۱۸۵۳

شرکت کالا هدیه سعادت
«تحويل رایگان»
خرید و فروش انواع برنج مرغوب ایرانی
با بهترین کیفیت و نازل‌ترین قیمت
فروش از ۱۰۰ کیلو به بالا می‌باشد
آماده همکاری با مشتریان خان
آشپزخانه، کترینگ، مطبخ‌ها و منازل
۰۲۱-۶۵۲۴۸۵۸۲
۰۹۱۲۱۹۰۲۱۹۰
مدیریت یادگاری

شهرک صنعتی هشتگرد
کارخانه بسته‌بندی مواد غذایی
با تمامی مجوزهای بهداشت
بی‌واسطه
۲۴۰۰ متر بنا + وام بانکی
فروشی
۰۹۱۲۲۸۵۳۶۳۰

پو که صنعتی هبلکس
سبک، مستقیم از کارخانه واقع در ورمان
جنس بلوک بتنی
محکم، مقاوم، عایق، سریع و با صرفه
معمولاً جدید: حذف کف و خاک با (بار) ...
۰۲۱-۸۸۱۹۳۲۸۹ - ۰۹۱۲۸۲۴۶۰۸۲

کارخانه ۲۲ هزار متری
کاملاً مجهز واقع در محلات
خط تولید کامل ایتالیایی
۰۹۱۲۷۰۰۰۸۱۰

فروش پسته بصرالهی
مرغوب‌ترین پسته در کرمان
برادران محمدی کرمانی
۰۹۱۳۱۴۰۵۴۹۷ - ۰۳۴۲۴۳۸۰۱۵۵

چهار دانگ ساختمانی بزرگان اقبان
۶ واحد، ۵ متری و یک واحد ۱۰۰ متری
جهت رهن به پزشکان متخصص
یک واحد ۹۰ متری
جهت داروخانه (طبقه همکف)
۰۹۱۲۴۲۳۸۱۳۲

داروخانه شبانه‌روزی در غرب تهران
دکتر داروساز با پروانه
ساعت کار ۸ صبح الی ۱۶ عصر
۴۴۰۷۱۶۹۴ - ۴۷۹۰۱۲۰۵

بازاریاب جهت تبلیغات
بیرون از دفتر، حداکثر سن ۳۵ سال
حقوق ثابت + پورسانت
۸۸۵۰۲۴۹۶

به تعدادی بازاریاب خاتم و آقا
جهت مصالح ساختمانی
با حقوق و پورسانت عالی
نیاز منجیم.
۰۲۱-۸۸۱۹۳۲۸۹ - ۰۹۱۲۸۲۴۶۰۸۲

زمین به مساحت ۲۸۰۰۰ متر
کیلومتر ۱۸ جاده قدیم قزوین به تهران - بالاتر از شهرداری
پله نیمه عمیق، آب شیرین، ۱۰۰ آمپر برق، گاز،
سالن مرغداری و انبار و سافتمان مسکونی
با سند ۶ دانگ
۰۹۱۲۳۲۷۱۲۰۳

هوای کوهستان در محیط منزل و کار آمار تأسفبار مرگ و میر ناشی از آلودگی‌ها و راه‌حل آن در منزل



اغلب آن‌ها ناشی از وسایل نقلیه نمودار با کارخانه‌هایی است که در اطراف شهرها ایجاد شده‌اند. استفاده از مواد شیمیایی، مواد شوینده، دود سیگار و سایر مواد خطرناک معلق در هوا که نفس کشیدن را شدیداً دچار مشکل می‌کند نیز از دیگر مواردی است که موجب گردیده شهروندان از هوای پاک بی‌بهره بمانند. عسده علائمی که ممکن است از یک حساسیت و التهاب شروع شود التهاب در ناحیه گلو و ریه‌ها است که متأسفانه در موارد پیشرفته می‌تواند منجر به بیماری‌های ریوی گردد.

در مواردی سرطان‌های دیگر مانند نخریب کلیه و با مشکلاتی در سیستم عصبی به وجود بیایند. اطفال و بزرگسالان (سالمندان) بیشترین کسانی هستند که در آلودگی هوا دچار مشکل می‌شوند. چنان‌که می‌دانید سیستم ایمنی بدن سالمندان ضعیف شده و سیستم تنفسی آن‌ها نیز به شکلی درگیر بیماری‌های دیگری است. در اطفال هم به خاطر ضعف بودن سیستم ایمنی، وضعیت کاملاً متضاد ما با آلوده‌های خطرناکی مواجه هستیم که

آلودگی‌ها متأسفانه رو به افزایش است و در بسیاری از شهرهای بزرگ مشکلات بسیار جدی و اساسی را ایجاد کرده است. اولین عارضه‌ای که معمولاً آلودگی هوا ایجاد می‌کند، برسیستم تنفسی افراد است زیرا ذرات معلق در هوا از طریق تنفس وارد بدن افراد می‌شود و سیستم تنفسی آن‌ها را درگیر می‌کند. پس طبیعی است که اولین و بیشترین عارضه در سیستم تنفسی باشد و ایجاد مشکل نماید. این مسئله می‌تواند با یک اتفاق ساده شروع شود. حتی تا موارد بسیار پیشرفته‌ای مانند سرطان ریه پیش برود و با

آلودگی‌ها و ایجاد آسم در کودکان

بیشتر خواهد شد از آنجا که کودکان در منزل تحرک بیشتری نسبت به افراد بالغ دارند، میزان جذب آلودگی هوا در آنها به مراتب بیشتر از بزرگسالان است. محققان دانشگاه پنسیلوانیا کشف کردند که آلودگی هوا بی‌شک تأثیر زیادی در بروز بیماری آسم در کودکان دارد و آلودگی هوای ناشی از سوخت اتومبیل‌ها نیز میزان مرگ و میر آنان را افزایش می‌دهد. مرکز تحقیقات محیط زیست دانشگاه علوم پزشکی تهران از دیگر مراکز علمی است که گزارش کرده سالانه ۳ میلیون نفر در اثر آلودگی هوا جان خود را از دست می‌دهند. جالب است بدانید که در بعضی کشورهای تعداد افرادی که در اثر همین عامل جان خود را دست می‌دهند، بیش از قربانیان سوانح رانندگی است!

هوا نقش مؤثری در میزان مرگ و میر کودکان دارد. بر اساس اطلاعات به دست آمده در این مطالعه، میزان مرگ و میر کودکان در شهرهایی با آلودگی هوا، بیشتر از مناطق پاک و بدون آلودگی است و همچنین در این مناطق میزان مراجعه پزشکی کودکان به بیمارستان نیز بیشتر دیده می‌شود. پژوهشگران هشدار دادند: از آنجا که سیستم تنفسی کودکان ضعیفتر از افراد بالغ می‌باشد، قرار گرفتن آنان در آلودگی هوا موجب بروز بیماری آسم و ایجاد مشکلات تنفسی در کودکان می‌شود. همچنین تنفسی در هوای آلوده، عملکرد ریه کودکان را نیز تا حدی مختل می‌سازد. زیرا هرچه میزان فعالیت بدنی در هوای آلوده بیشتر باشد، تنفس تندتر انجام می‌شود و در نتیجه میزان جذب ذرات معلق نیز

قرار گرفتن کودکان در معرض آلودگی هوا بسیار خطرناک است و از آنجایی که سیستم ایمنی تنفسی و ریه آنان هنوز کامل نشده از این روی در معرض آلودگی قرار گرفتن کودکان بسیار خطرناکتر از افراد بالغ است. تحقیقات انجام شده در مدرسه پزشکی هاروارد نشان می‌دهد که ذرات معلق در هوا باعث ایجاد آلودگی می‌شوند و تنفسی این هوای آلوده باعث ورود ذرات معلق به داخل بدن و ریه افراد می‌گردد. همچنین تنفسی هوای آلوده و ذرات معلق در کودکان از عوامل بیماری برونشیت گزارش شده است. مطالعه دیگری که در مرکز سلامت کودکان اروپا انجام شده، حکایت از آن دارد که آلودگی



گفت و گو با مشاور شرکت "ایران دی اچ" در مورد استفاده از تکنولوژی یون منفی برای تمیز کردن هوا

است نیز کاملاً رعایت می‌شود. استفاده از این دستگاه‌ها در چه اماکنی مفید واقع می‌شود؟ در زیر هر سقفی که افراد در آن زندگی یا کار می‌کنند، می‌توان از این دستگاه استفاده کرد. در اروپا و روسیه استفاده از این دستگاه در محیط کار الزامی است. بر این اساس می‌توان در محیط‌های کاری، کلاس‌های درس، مهدکودک‌ها، واگن‌های مترو، اتوبوس، درمانگاه‌ها و از همه مهم‌تر محیط منزل و از آنها استفاده کرد. هر دستگاه چه میزان فضای را می‌تواند تحت پوشش قرار دهد؟ هر دستگاه بین ۶۰ تا ۹۰ مترمربع را پوشش می‌دهد. در واقع هر دستگاه برای ۳۰ تا ۴۰ مترمربع کلیت، در یک واحد آپارتمان ۶۰متری استفاده از دو دستگاه کافی به نظر می‌رسد. و چه فضایی را اشغال می‌کنند؟ اندازه دستگاه بسیار کوچک است و به بریز برق وصل می‌شوند این اندازه کوچک یکی دیگر از مزایای استفاده از آن نسبت به دستگاه‌های رایج موجود در بازار می‌باشد و قابل انتقال است.

می‌شود اما باید به این نکته توجه کرد که تکنولوژی بخار سرد باعث ایجاد رطوبت هم می‌شود و در دراز مدت رطوبت به وسایل منزل و محیط کار آسیب می‌رساند. همچنین خود رطوبت "منشا" جمع شدن آلودگی و ایجاد قارچ‌هاست. این سیستم نسبت به دستگاه‌های تصفیه هوای فیلتردار چه مزایایی دارد؟ دستگاه‌های تصفیه هوای فیلتردار، قیمت بالایی دارند. همچنین دستگاه‌های تصفیه هوای فیلتردار در طول زمان نیاز به تعویض فیلتر دارند. ضمن این که خود فیلتر، محل جمع شدن انواع میکروب و باکتری است و هزینه‌های جانبی در پی دارد. آیا استفاده از این دستگاه‌ها در محیط کار و منزل برای افراد عارضه ندارد؟ این دستگاه‌ها بر اساس آخرین استانداردهای روز دنیا ساخته می‌شود. به عنوان مثال در ساخت آن‌ها نه تنها استانداردهای سری ایزو، بلکه استانداردهایی مانند مدیریت بهداشت و ایمنی و استاندارد ILO که مربوط به بی‌ضرر بودن استفاده محصولات الکترونیکی در منزل

تمیز می‌کنند؟ دستگاه‌های تصفیه هوا که بر پایه یون منفی کار می‌کنند، بر این اساس ساخته می‌شوند که با یاردار کردن ذرات معلق موجود در هوا باعث سنگین شدن آنها شده و این ذرات را از هوای موره تنفسی افراد جدا کنند. یا این حساب منشأ این تکنولوژی، طبیعت است؟ اگر دقت کرده باشید پس از رعد و برق، هوای تازه‌ای جریان می‌یابد. این امر به خاطر آن است که بر اثر توان الکتریکی، تریلیون‌ها یون منفی در هوا بخش شده و هوا را تمیز کرده است. بهره‌گیری از این تکنولوژی در ایران در چه وضعی قرار دارد؟ یکی از مهم‌ترین مسائلی زیست‌محیطی در ایران، هوای آلوده کلان شهرها و شهرهای بزرگ است. خوشبختانه به تازگی موفق شدیم پس از بومی کردن این تکنولوژی، آن را در اختیار شهروندان قرار دهیم. بین این سیستم و سیستم استفاده از بخار سرد چه تفاوتی وجود دارد؟ بخار سرد هم باعث سنگین شدن ذرات

تمیز نگه داشتن هوای منزل و محل کار در آلودگی هوا اولویت تمام شهروندان به شمار می‌رود. استفاده از یون منفی برای تصفیه کردن هوا یکی از جدیدترین تکنولوژی‌های موجود در این زمینه به شمار می‌رود که خوشبختانه چندی پیش از سوی محققان جوان کشورمان به بازار عرضه شده است. آنچه در پی می‌خوانید، مصاحبه‌ای است با مشاور شرکت الکتریک سزاران افق کوپر در مورد استفاده از یونیزاسیون برای مقابله با نفوذ هوای آلوده به محیط کار و زندگی. استفاده از تکنولوژی یونیزاسیون هوا برای مقابله با آلودگی هوا از چه زمانی متداول شده است؟ تکنولوژی یونیزاسیون کردن هوا و استفاده از یون منفی یکی از جدیدترین تکنولوژی‌ها برای مقابله با هوای آلوده است. استفاده از این تکنولوژی در محیط‌های کاری اروپا و روسیه اجباری است. در سراسر جهان به ویژه در شهرهای بزرگ و صنعتی آلوده نیز استفاده از این تکنولوژی رو به افزایش است. این تکنولوژی چگونه هوای آلوده را

ایران دی اچ دارای ۲۲ نمایندگی در سراسر ایران و آماده تحویل محصولات خود به سراسر کشور است. شما می‌توانید، شماره نمایندگی‌ها را از واحد مشاوره و فروش دریافت نمایید.

مشاوره و فروش: (۱۰ خط) ۴۴۴۲۱۳۳۵-۲۱
WWW.IRANDLIR



چرا سفره مستند رنگین نیست؟

۳ کارشناس درباره کارکردهای شبکه تلویزیونی مستند صحبت کرده‌اند

نسرین بختیاری

مستند بخشی از هنر - صنعت سینما و دنیای رسانه است که البته در غرب، جایگاهی شناخته شده‌تر نسبت به ایران دارد، گرچه سابقه ساخت فیلم مستند تلویزیونی و سینمایی در ایران، به بدو ورود دوربین سینما می‌رسد.

امروزه در کشور ما تشکلهای مختلفی در زمینه تولید مستند فعالیت می‌کنند و نسل قدیم و جدید مستندساز، با حمایت این تشکلهای، تولیدات متنوعی در گونه‌های مختلف به کارنامه مستندسازی در ایران افزوده‌اند و در جشنواره‌های جهانی موجب کسب افتخار برای کشور شده‌اند، اما یکی از بزرگ‌ترین مشکلات در این زمینه، نبود شرایط لازم و مناسب برای دیده شدن آثار مستند است. بستری که شروع به کار شبکه مستند، خیلی‌ها را نسبت به حل آن امیدوار کرد.

نقش و کارکرد شبکه مستند

علیرضا قاسم‌خان، معاون تحقیق و پژوهش مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی که هفته گذشته هفتمین دوره جشنواره مستند سینماحقیقت را برگزار کرد، درباره شبکه مستند می‌گوید: وجود یک شبکه مستند

فی‌نفسه ارزشمند است، اما این که چگونه باید نقش و کارکرد این شبکه را بررسی کنیم، باید در جمعی که مدیران شبکه و مستندسازان حضور دارند، مطرح شود. نکته هدفی است که در ایجاد شبکه مستند ترسیم شده است. یکی از وجوه این شبکه، پخش مداوم و ۲۴ ساعته فیلم مستند است، اما آنچه بیشتر اهمیت دارد، جایگاه مستندسازی در تلویزیون است.

معاون تحقیق و پژوهش مرکز گسترش با اشاره به تصور عامه مخاطبان درباره مستند بیان می‌کند: در تلویزیون ایران وقتی به مستند اشاره می‌شود، بیشتر ژانر مستند حیات وحش و سری رازبقا در ذهن‌ها تداعی می‌شود. پخش این مستندها، معروف‌ترین و البته ارزان‌ترین روشی بود که سال‌های گذشته از آن استفاده شد، اما تکرار این نگاه به مستندسازی موجب می‌شد علاقه بیننده ایرانی از بین برود.

وی با اشاره به لزوم پخش آثاری که جامعه روی آن حساس است و نیز توجه به زمان پخش مستندها در تلویزیون می‌گوید: ما باید بر پخش بزرگ‌ترین مستندهای ایرانی به لحاظ ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و مطرح کردن مسائلی چون مشکلات مبتلابه جوانان و نوجوانان، دفاع مقدس و انقلاب که جامعه ایرانی روی آنها حساس است، متمرکز شویم تا بتوانیم با قشر وسیعی از مخاطبان ارتباط برقرار کنیم.

کارکرد مستند

بیش از برنامه‌های گفت و گو محور

قاسم‌خان در ادامه می‌افزاید: برنامه‌های گفت و گو محور فضای تلویزیون را پر کرده، در حالی که به نظرم درام و جذابیت در فیلم‌های مستند ایرانی و خارجی بیشتر می‌تواند برای مخاطبان رسانه جذاب باشد. بسیاری از شبکه‌هایی که ما به آنها معاند می‌گوییم، برنامه‌ها و افکار و اندیشه‌های خودشان را از طریق مستندسازی به جامعه ایرانی القا می‌کنند. در سریال‌ها معمولاً با تخیلاتی روبه‌رو هستیم که در قالب یک داستان مخاطب را با خود همراه می‌کند اما مستندسازی هم تأثیرات اجتماعی و سیاسی پررنگی دارد.

وی اضافه می‌کند: ما در یکی از کارگاه‌های آموزشی که برگزار کردیم، با یک مدرس ایرلندی روبه‌رو شدیم که درباره سوزاندن فیلم‌های مستندی که توسط اشغالگران قدس برای فلسطینیان گرفته



شده بود، صحبت می‌کرد. او به این اشاره می‌کرد که آنها چگونه با این فیلم‌های مستند حافظه تاریخ را پاک می‌کنند. این سینماگر فعال در عرصه مستند می‌گوید: تلویزیون ما در این زمینه وظیفه سنگینی دارد. شبکه مستند فقط نباید به نمایش فیلم متکی باشد چون مساله ما، نمایش فیلم نیست. مساله ما گفت و گو و تغییر ذائقه مردم و حساس شدن آنها نسبت به فیلم مستند است. فیلم مستند آگاهی‌دهنده است.

سفره‌ای که باید رنگین شود

قاسم‌خان با توجه به لزوم ساخت آثار متنوع در ژانر مستند عنوان می‌کند: ما درباره خشک شدن دریاچه‌های مختلف زیاد صحبت می‌کنیم، اما آیا این را از طریق گفت و گو مطرح می‌کنیم یا مستند؟ آیا اقلیم ایران دچار تغییر شده؟ آیا دولت مسبب این مساله است یا ساخت و سازهای بی‌رویه اطراف سدها باعث این شرایط شده است؟ این مساله را باید فیلم‌های مستند خبری تحلیل کنند، مستندهای گزارشی درباره آن گزارش تهیه کنند و مستندهای جدی نسبت به عواقب آن هشدار دهند. باید به این نکته توجه داشت که رنگین کردن سفره در فرهنگ ما، به معنای قراردادن چند نوع غذا سر سفره است؛ بنابراین سفره تلویزیون در زمینه مستند، رنگین نیست و با یک غذا پر می‌شود.

آثار مستند برون‌سپاری شود

وی با اشاره به لزوم توجه به تولید مستند ایرانی و نمایش آن در تلویزیون ادامه می‌دهد: گاه در درون شبکه مستندی سفارش داده و مستندی ساخته می‌شود، اما این اقدام مفیدی نیست، چون مستندساز ما نیاز دارد بتواند بیرون سازمان صداوسیما فیلم بسازد و سازمان، اثر مستند را از او بخرد. به نظر ما این کار برای مستندساز ایرانی ارزش قائل شده‌ایم. از خود پرسیم آیا نشان دادن دو پرده آفریقایی مهم‌تر از این است که نسبت به محیط زیست ایران عکس‌العمل نشان دهیم؟

معاون تحقیق و پژوهش مرکز گسترش با بیان این که شبکه مستند باید سفارش‌دهنده آثار مستند به بیرون باشد، یادآوری می‌کند: به نظر ما اصلاً لزومی ندارد شبکه مستند خودش تولیدکننده باشد و می‌تواند آن چیزی را که می‌خواهد به بیرون سفارش دهد. مساله این است که بررسی کنیم طی چند سال اخیر شبکه مستند و نقاط قوت آن را بشناسیم و آن را تقویت کنیم و برای مسائل ضعیف‌تر برنامه داشته باشیم. در تلویزیون، سیاستگذاری در این زمینه که چه چیزی به مخاطب منتقل شود، اهمیت دارد، اما وقتی به لحاظ مالی دچار مشکل باشیم، این به شبکه مستند هم سرایت و شبکه را از تأثیرگذاری عمیق ناتوان می‌کند.

اولین نمایش مستند

قاسم‌خان با اشاره به روندی که شبکه مستند طی

تولیدات نزد مخاطبان باشد، چرا که من معتقدم اگر باور مدیریت بر ایجاد مخاطب و تولید مستند ارزشمند باشد، مطمئناً زمینه‌های جذب سرمایه و تولید ارزنده مستند را فراهم می‌کند.

وی درباره پرداختن به ژانرهای مختلف مستند بیان می‌کند: مستندسازی، کار ارزانی نیست. به عنوان مثال ما برای ساخت مستند تاریخی، نیازمند پژوهش‌های چندگانه هستیم. کارهای مستند معمولاً احتیاج به وقت زیادی دارند تا بتوانند به یک اثر جذاب و ماندگار بدل شوند.

مظاهری در پایان درخصوص رابطه مستندسازان جوان با تلویزیون می‌گوید: فکر می‌کنم اگر به مستند توجه ویژه‌ای داشته باشند، مخاطب خودش را به دست می‌آورد و از انگیزه و شوق جوانان، بهره لازم به دست می‌آید.

کار با ارزش شبکه مستند

کاوه بهرامی‌مقدم، مستندساز و از اعضای هیات انتخاب جشنواره مستند بخش اجتماعی، پرتره، قوم‌شناسی جشنواره سینماحقیقت، در زمینه اقدامات مفید انجام شده در شبکه مستند می‌گوید: کار شبکه مستند طی یک سال اخیر



در زمینه دعوت از فیلمسازان مستند، نمایش کارشان و نقد و بررسی آثارشان، در جای خود ارزشمند است.

وی درباره تولید مستندهای تلویزیونی می‌گوید: در کشور ما فیلم مستند تلویزیونی کم تولید نمی‌شود. هدف مهم تولید مستندهای تلویزیونی، اطلاع‌رسانی به جامعه است و در واقع این مستندها، یک رسالت کلی برای کل جامعه دارند. فیلم‌هایی که در عرصه مستند ساخته می‌شود و روی آنتن تلویزیون می‌رود، از این دیدگاه جایگاهی ارزشمند دارد. بیشتر فیلم‌های تلویزیونی در زمینه مستند اطلاع‌رسانی گزارشی است. فیلم‌هایی که بتواند به مفاهیم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بپردازد معمولاً در تلویزیون ساخته نمی‌شود یا خیلی محدود و اندک است اما باید به این نکته توجه داشت که فرآیند تولید و پخش فیلم در شبکه مستند، فرصتی برای فیلمسازان عرصه مستند (در سینمای ایران) فراهم می‌کند که نوع کارشان با تولیدات تلویزیونی مستند تفاوت‌هایی دارد. شاید تلویزیون به این نتیجه رسیده که مخاطبان امروز نیازمند اطلاعات بیشتری هستند و این اطلاع‌رسانی در فیلم‌های صرف گزارشی و اطلاع‌رسانی درباره اماکن تاریخی و غیره اتفاق نمی‌افتد. شاید تلاش بر این است که بتوانند تعاملی ایجاد کنند که برخورد با سینمای مستند ما در تلویزیون از آنچه تاکنون رخ داده، جدا شود.

مستند، فرهنگساز است

بهرامی‌مقدم با اشاره به این که معتقد به کمبود بودجه در شبکه مستند نیست، می‌گوید: به عنوان کسی که در عرصه سینمای مستند فعالیت می‌کنم، به این معتقد نیستم که کشورمان با این حجم از درآمد سرشار ملی نتواند برای سینما و فرهنگسازي ملت خودش بودجه‌ای اختصاص دهد. او می‌گوید: ما باید به سینمای مستند با توجه به پتانسیل‌هایش کمک کنیم. متولیان مستندسازی در سینما و تلویزیون باید واقعیتی به نام مستندسازی را بپذیرند و برای دستیابی به هدف برنامه‌ریزی کنند. اگر چنین باشد، دیگر فیلمی تولید نمی‌کنیم که به آرشیو برود. دیگر فیلم ساده‌اندیشانه نمی‌سازیم.

بهرامی‌مقدم با توجه به پتانسیل تلویزیون برای تولید و پخش آثار مستند می‌گوید: در جشنواره‌های مختلف گاه فیلم‌هایی می‌بینیم که تهیه‌کننده آنها تلویزیونی هستند. کارهایی که به لحاظ موضوع بسیار خوب و ارزشمندند، اما این قبیل مستندها انگشت‌شمارند. دوست داریم تولیدات از این سطح بیشتر شود. وقتی آنها به منبع مالی دسترسی دارند، نباید تولیداتشان کمی باشد بلکه باید کیفی باشد. تلویزیون با حمایت بیش از پیش از مستندسازی، به نیازهای مردم پاسخ می‌دهد و در نتیجه فیلم‌هایی تولید می‌شود که می‌توانند به عنوان کالای فرهنگی بدرخشند. به هر حال باید به آینده خوشبین بود.

می‌کند، می‌گوید: این امکان وجود دارد که مثلاً اولین نمایش‌های مستند خودمان را در شبکه مستند داشته باشیم تا شبکه پررنگ‌تر شود.

وی یادآوری می‌کند: تلویزیون ایران بزرگ‌ترین خانه برای هنرمندان و مستندسازان است. مستندسازان هیچ پناهگاه دیگری به لحاظ اقتصادی و پخش برنامه جز تلویزیون ندارند و اگر ما این ظرفیت را از شبکه بگیریم، دچار خسران می‌شود. جهان سرعت در حال تغییر است و اگر ما همگام با تغییرات حواسمان را جمع نکنیم، ممکن است تلویزیون و شبکه مستند هیچ بیننده‌ای نداشته باشد. اگر مستندی پخش شود و از شش نفر، سه نفر مستند را دیده باشند و پاسخشان مثبت باشد، آن شبکه موفق است.

مستندسازی کار ارزانی نیست

مهناز مظاهری مستندساز، مدرس فیلمسازی و عضو هیات انتخاب بخش اجتماعی جشنواره سینماحقیقت که خود از برنامه‌سازان تلویزیون محسوب می‌شود، با اشاره به لزوم ارتقای جایگاه مستندسازی در ایران



می‌گوید: برای توسعه مستند در جامعه، عوامل مختلفی می‌توانند نقش داشته باشند. رسانه‌های تصویری و مراکز آموزشی در این فرآیند می‌توانند موثر باشند. از دیگر فعالیت‌هایی که می‌تواند نگاه عموم را به سمت مستندهای خوب و ارزشمند برود و موجب شود مردم در کنار سایر برنامه‌های تلویزیونی، به مستند هم توجه کنند، تلویزیون است. مستند سال‌های سال یکی از قالب‌های تولید برنامه در تلویزیون بود و حالا با افزایش شبکه‌های تلویزیونی به شبکه مستند هم دسترسی پیدا کرده‌ایم که باید قدرش را بیش از این بدانیم.

وی در این خصوص عنوان می‌کند: نوع سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و تولید برنامه در این شبکه باید به گونه‌ای باشد که از شناخت کافی نسبت به سینمای مستند ناشی شده باشد و این نگاه منجر به این شود که روز به روز بر تعداد مخاطبان این شبکه اضافه شود. برنامه‌های مستندی که در شبکه‌های دیگر تولید می‌شود، به صورت بازپخش در شبکه مستند روی آنتن می‌رود و این شاید برای خیلی‌ها که هیچ گونه آشنایی با مستندسازی ندارند، جالب توجه باشد و زمینه‌ای برای جذب آنها به سمت مستند قلمداد شود، اما رغبتی برای من به عنوان مخاطب ایجاد نمی‌کند تا برنامه‌های بازپخش را پیگیری کنم.

مظاهری ادامه می‌دهد: نداشتن بودجه برای تولید مستند نمی‌تواند دلیل موجهی برای به چشم نیامدن

گزارشی از پشت صحنه برنامه صبحگاهی «طلوع»

نشاط بخشی صبحگاهی به سبک شبکه ۴



مجری برنامه صبحگاهی سیمای پویا

یک جنگ فرهنگی - علمی

سری جدید برنامه صبحگاهی طلوع با هدف ترویج خودباوری، غرور ملی، امید، نشاط و آگاهی بخشی به مردم در حوزه های مختلف تهیه و تولید می شود.

سید مهدی حسینی تهیه کننده برنامه می گوید: طلوع یک جنگ صبحگاهی فرهنگی - علمی با زبانی ساده و گویاست، چون مخاطب سرمایه اصلی است. به همین منظور جدول پخش برنامه از یک هفته قبل اعلام می شود تا مخاطبان با برنامه تعامل داشته باشند. تفاوت ما با دیگر برنامه های صبحگاهی این است که مخاطبان می دانند چه موضوعی با چه محتوایی از سوی کارشناس مطرح می شود و آنها می توانند سوالات خود را برای ما ارسال کنند. در هر برنامه حداقل چهار موضوع مختلف با حضور کارشناسان مربوط بررسی می شود. همچنین مجریان برنامه در روزهای مختلف تغییر می کنند تا برنامه جذاب تر و متنوع تر باشد. پخش کلیپ های مرتبط و گزارش های مردمی از دیگر بخش های برنامه است.

اولویت های مهم جامعه نیست. اگر سلامت جسمی و روحی افراد جامعه ارتقا یابد، بازده کار مفید در جامعه نیز افزایش می یابد.

در حالی که گروه خود را برای بخش پایانی برنامه آماده می کند، اعظم کریمی یکی دیگر از مجریان برنامه را پیدا می کند و از او درباره اجرا در طلوع می پرسد. او که اجرای بخش های گردشگری، میراث فرهنگی و گفت و گو با نخبگان را به عهده دارد، می گوید: اولین بار است در چنین ساعتی برنامه اجرا می کند. اول فکر می کردم کار سختی است ولی پیام های مخاطبان برنامه به من احساس و انرژی خوبی می دهد. آنها از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۴۴ ضمن این که سوالات خود را بیان می کنند، با جملات زیبایی که درباره صبح، نشاط و زندگی ارسال می کنند، ما را شریک لحظات خوش زندگی خود کرده و از آنها انرژی می گیریم.

بخش پایانی برنامه است. میلاد شیران می گوید: فردا روز دیگری طلوع می کند. از این که ما را همراهی کردید متشکریم. خداوند یار و نگهدار شما باشد. کارگردان برنامه به حسینی تهیه کننده برنامه می گوید: نور آبی سمت چپ دکور زیاد است. مسئول فنی نور هر ترفندی که توانسته زده است. حسینی می گوید: تا آخر هفته این مشکل بر طرف می شود! پس از اتمام برنامه عکس جمعی گرفته شد، اما به دلیل کمبود فضا بعضی همکاران در عکس حضور ندارند.

ایران متفاوت است و اگر اجرای یکسانی داشته باشیم، اشکال دارد.

در این فاصله با علیرضا علیا نیز صحبت می کنیم. او می گوید: از سال ۷۰ وارد عرصه بازیگری شدم و در این مدت اجرای برنامه های مختلفی را هم بر عهده داشته ام، اما این اولین بار است که برنامه صبحگاهی اجرا می کنم. می پرسم چه حس و حالی دارد که می گوید: سخت است. می گویم: پس چرا قبولش کردید؟ می گوید: می خواستم دچار روزمرگی نشوم و قابلیت های خودم را بیشتر کنم، زیرا با اجرای هر برنامه ای، بر دانش مجری افزوده می شود. از زمانی که با این برنامه همکاری خود را شروع کردم، هر روز که به استودیو می آیم، انرژی مضاعفی از همکاران می گیرم.

کد ۹۹ عنوان یکی از بخش های برنامه طلوع است که روزهای زوج پخش می شود و کارشناس آن دکتر کامران فردوسی، متخصص قلب است. میلاد شیران درباره سلامت و بهداشت عمومی با او گفت و گو می کند. در همین فاصله، کارگردان هنری که حالا با گوشی دیگری با مجریان برنامه در ارتباط است، می گوید: میلاد به پستی میل تکیه بده! او طرز نشستن خود را تغییر می دهد. بخش کد ۹۹ با صحبت های دکتر فردوسی ادامه می یابد. او در بخشی از صحبت هایش در این قسمت برنامه می گوید: مردم بیشتر به ظاهر خود فکر می کنند تا به سلامت، چون بهداشت و سلامت از

میلاد خداحافظی کن. وقت نداریم. تهیه کننده می گوید: شاید نمی شود. عوامل فنی داخل استودیو موضوع را به میلاد شیران انتقال می دهند و او سرانجام بحث را تمام می کند. بخش اول برنامه تمام می شود.

امیر عسگری می گوید: تیم برنامه ساز طلوع ۲۰ نفر هستند که امروز با بخشی از آنها آشنا شدید؛ چهار گزارشگر که از سطح شهر گزارش تهیه می کنند و همکاری که در تهیه کلیپ های برنامه فعالیت می کنند، در استودیو حضور نداشتند. یکی از کارهای من بررسی و تأیید کارهایی است که این همکاران تولید می کنند. میلاد شیران در فرصتی که دست می دهد درباره حضورش در برنامه طلوع صحبت می کند. او می گوید: یکی از ویژگی های برنامه های صبحگاهی، شادی، سرحال بودن و انرژی مثبت دادن به مخاطب است اما اجرای برنامه صبحگاهی در هر شبکه تلویزیونی براساس رویکرد، رسالت و اهداف هر شبکه فرق می کند. به همین دلیل اجرای من در برنامه طلوع با صبح بخیر

ده دقیقه تا شروع برنامه طلوع شبکه چهار زمان داریم. میلاد شیران، مجری ثابت برنامه طلوع متن را نگاه می کند. کارگردان برنامه از او می خواهد در جای خود مستقر شود. دوربین ها تست نهایی را انجام می دهند. کارگردان می گوید: «مجری حرکت نکند و جلوتر از این نیاید. آماده باشید با دوربین ۳ شروع می کنیم و با دوربین ۲ ادامه می دهیم.» میلاد شیران که سال ها چهره او را در برنامه «صبح بخیر ایران» دیده ایم این بار مجری برنامه صبحگاهی طلوع در شبکه چهار سیماست و شاهد اجرایی متفاوت از او هستیم. در این برنامه آهنگ صدای میلاد شیران در عین حال که شور و نشاط صبحگاهی دارد، کمی آرام تر است. با سلام و صبح بخیر برنامه شروع می شود. مجری برنامه می گوید: خوشحال هستم با طلوع خورشید یک بار دیگر با شما بینندگان عزیز صبح را آغاز می کنم. امیدوارم با طلوع خورشید امروز اتفاق های قشنگی در زندگی شما طلوع کند. یک موسیقی پخش و اولین مهمان برنامه وارد استودیو می شود.

سعید اسدی، مدیر کل تلویزیون تعاملی سازمان صدا و سیما به عنوان اولین مهمان برنامه توضیحاتی درباره آی پی مدیا (تلویزیون اینترنتی) و این که پنج استان کشور به این سیستم دسترسی دارند، صحبت می کند. یک گزارش تصویری پخش می شود و در همین فاصله، یقه لباس مهمان برنامه هم درست می شود. اسدی همچنین می گوید: آی پی مدیا ویژگی های بسیاری دارد. یکی از آنها این است که زمان در اختیار مخاطب است و خودش تصمیم می گیرد در چه ساعت، چه برنامه ای را ببیند و براساس برنامه شخصی زمان را مدیریت می کند.

ساعت نزدیک به ۸ صبح است. با همکاری روابط عمومی شبکه چهار و حراست، چاوش همآوندی عکاس روزنامه وارد رژی استودیو ۱۲ می شود و بلافاصله کار خود را شروع می کند. وقتی وارد استودیو می شود مدیر صحنه از کارگردان برنامه سوال می کند این فرد کیست که عکس می گیرد. ناظر پخش و تهیه کننده می گویند: مشکلی نیست، عکاس روزنامه جام جم است.

بحث درباره آی پی مدیا ادامه می یابد. از اتاق فرمان به مجری برنامه می گویند: بحث طولانی شده. موضوع را جمع کن، پاس بده. اما بحث همچنان ادامه دارد. امیر عسگری، کارگردان هنری برنامه مرتب می گوید:

فروش زعفران مرغوب
بهم صورت جزئی
۰۵۲۲ ۳۹۲ ۳۳ ۳۳

فروش زعفران
سراگل و ریشه زعفران
به صورت کلی و جزئی
خراسان - ۰۹۱۵۹۰۵۰۱۸۶
۰۵۲۲۴۳۳۳۳۳۳۳۳

شهرری
۲۰۰۰ متر سازه گلخانه
فروشی یا شریک کاری نیاز مندیم
۰۹۱۲ ۵۲۲ ۱۷ ۵۲

آبمی مفقودی
خودرو پژو پارس سفید
به شماره پلاک ایران ۲۲-۶۶۷-۷۴ شماره شناسی
۱۳۴۸۹۰۰۲۲۴۸ موتور ۶۶۶۴۴۴
به نام شرکت تولیدی نبرد آکومینوم

مشاور پروژه های کشاورزی
تولید ورمی کومپوست - ورمی کاکچر
پرورش ماهی، زعفران
مدیرس سازمان ملی و حرفه ای کشور و سازمان
نظام مهندسی کشاورزی - مهندس ابوالفضل فیاضی
۰۹۱۴۵۸۷۳۸۶۰

۱۷ شهر یور جنوبی، منصور
فروش فوری
۱۴۰ متر خوابه نویسان
قول امکانات کلید بخورده، نور و نقشه عالی
با وام ۲۵ میلیونی، شرایط پرداخت مناسب
۰۹۲۹۳۰۶۲۳۵۵ - ۰۹۱۲۳۰۸۲۳۵۵

فروش سیب درجه یک دنا
فرمز و سفید با بسته بندی عالی و قیمت مناسب
تحویل سیب در سراسر ایران
سید حسین موسوی
۰۹۱۳۷۵۳۶۳۵۵ - ۰۷۴۳۳۲۲۴۴۲۵

قبول سازه های رنگ کاری چوب
روجه کاری، رنگ درب، نیم پولی استر و پوست پولیشی
و همچنین تعمیرات و بازسازی هر مدل میل
انجام می گیرد.
۰۹۱۲۴۶۱۵۲۲۹ - ۰۹۲۸۹۰۹۰۷۷۶
۶۶۶۴۲۶۷۶

جمهوری - نواب - شهاب ۲
اکازیون «فروشنده واقعی»
۴۶متر، سند اداری، طبقه اول
۰۹۱۲۲۰۱۸۹۴۰ - ۵۵۶۹۳۰۰۷

«شهریار» ۱۴ هزار متر زمین
۸ هزار متر گلخانه، سند ۶ دانگ، چاه آب ۲ اینچ
محمور یا کلیه امکانات آماده برای کشت
«دهقان»
۰۹۱۲۷۱۷۱۴۲۲

فروش بهترین زعفران قائنات
با نازل ترین قیمت
پختن در سراسر کشور
۰۹۱۰۵۴۷۴۸۷۹۰ - ۰۵۶۱۰۴۴۱۵۳۶

فروش ویژه برنج
بهترین برنج ایرانی را با نازل ترین قیمت از ما بخواهید
بخش در سراسر کشور
۰۹۱۵۳۶۱۸۹۰۰ - ۰۵۶۱۰۲۲۳۱۱۳۷

بنکداران پوشاک
فروش تعداد ممدودی مغازه
در بازار جهت پوشاک
۵۵۶۳۱۸۲۹ - ۰۹۱۱۲۲۰۰۱۱۵

تشک رویا با ضمانت تعویض
تولید و پخش انواع کفی تخت پلاستیکی ۳ تیکه
فروش انواع تخت و تشک
حمل و نقل آسان، با دوام، سبک و ارزان
۶۶۷۳۴۸۲۲ - ۰۹۱۹۸۳۶۰۰۴

برگزاری جشنواره‌های مختلف و تجلیل از بهترین‌ها در هر حوزه فرهنگی و هنری، در سال‌های اخیر به امری متداول در کشورمان تبدیل شده که می‌تواند اثرات مثبت بسیاری داشته باشد.

سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز در سال‌های اخیر برای تشویق فعالان حوزه صدا و سیما به برگزاری جشنواره‌ای به نام جشنواره جام‌جم اقدام کرده و به شکل کاملاً تخصصی در رشته‌های مختلف بهترین‌های خود را انتخاب می‌کند. در حقیقت دست‌اندرکاران این حوزه، جشنواره سیما را محلی برای ارزیابی توانایی‌های خود و قیاس با دیگر همکارانشان می‌دانند که می‌تواند در آینده حرفه‌ای‌شان موثر باشد.

رکن جشنواره

تشکیل هیات داوران حرفه‌ای، رکن اصلی جشنواره‌هایی از این جنس است تا به شکلی عادلانه آرای خود را اعلام کنند. ترکیب این هیات در سال‌های گذشته و همین‌اسمال نیز حکایت از این داشته و اغلب متشکل از چند کارگردان و متخصص حوزه تلویزیون است که در رشته‌های مختلف به داوری می‌پردازند. جشنواره جام‌جم نیز مانند بسیاری از جشنواره‌های مشهور سینما و تلویزیون به سمت تخصصی‌تر کردن حوزه‌ها می‌رود و آرای خود را بر این پایه اعلام می‌کند. برای نمونه می‌توان به برگزیدگان بازیگری اشاره کرد که در دو رشته بازیگری کمدی و بازیگری درام انتخاب می‌شوند. در حقیقت داوران برای سنجش استعداد بازیگران نامزد شده از یک متر واحد سود نجسته و هر چه بیشتر به سمت تخصصی‌تر شدن پیش می‌روند. اتفاقی که در بخش کارگردانی هم رخ داده و انتخاب‌ها در سال‌های اخیر کمتر با حواشی همراه شده است. تشکیل شبکه‌های مختلف تلویزیونی که هر یک به شکلی تخصصی به موضوعی می‌پردازند، بازار رقابت را در جشنواره جام‌جم داغ‌تر و بخش‌های تازه‌تری را نیز به آن افزوده است. برای مثال می‌توان به شبکه‌های آموزش و مستند اشاره کرد که محصولات هر یک به شکلی جداگانه مورد داوری قرار می‌گیرند. از طرف دیگر باید به داوری سریال‌های تلویزیونی هم اشاره کرد که در سال‌های اخیر بحث‌های بسیاری به وجود آورده است.

یک اتفاق عدالت‌محور

جدا کردن سریال‌های «الف و ب» و داوری نشدن آنهاست که با صرف هزینه‌هایی به مراتب بالاتر از دیگر سریال‌های تلویزیونی، کار داوری را برای هیات داوران راحت کرده و عدالت بیشتری را به اجرا درآورده است؛ چرا که این دو طیف از آثار تلویزیونی با توجه به هزینه‌ها و نیروهای به کار گرفته شده تفاوت چشمگیری در خروجی کار دارد و به هیچ‌وجه گذاشتن آنها در دو کفه ترازو صحیح به نظر نمی‌رسد.

اتفاق مهم دیگری که می‌تواند موجبات دلگرمی اهالی سیما بویژه قدیمی‌های این عرصه را فراهم آورد، تجلیل از پیشکسوتان و اهدای جایزه ویژه یک عمر فعالیت به آنهاست که در سال‌های اخیر به شایستگی انجام شده است. در این میان آنچه باید مورد توجه برنامه‌ریزان این جشن سالانه تلویزیونی قرار گیرد، موضوعی مهم و کلیدی به نام زمان‌بندی در کنکاتور است که در برخی دوره‌ها به پاشنه‌اشیل آن تبدیل شده است.

جشنواره جام‌جم با همه فراز و فرودها در دوران برگزاری‌اش می‌تواند اثرات خوبی روی این حوزه داشته باشد و به دست‌اندرکاران خود دلگرمی بیشتری بابت دیده شدن بیشتر از سوی همکاران و مدیران بدهد.

قضاوت تخصصی، لازمه ارتقای جشنواره

نظرات اهالی سیما درباره جایگاه حرفه‌ای جشنواره جام‌جم



مانده میری

جشنواره جام‌جم، جشنواره اهالی سیماست و می‌تواند بهترین تاثیر انگیزشی را در فعالیت هنرمندان و دست‌اندرکاران برنامه‌های تلویزیونی به همراه داشته باشد. از این رو شاید بهترین کارشناسان و قاضیان در زمینه تاثیرگذاری این رویداد مهم تلویزیونی کشور، فعالان در این عرصه باشند.

منصور سهراب‌پور، تهیه‌کننده تلویزیون که امسال سریال «پروانه» را روی آنتن داشت، در این باره می‌گوید: برگزاری جشنواره جام‌جم بی‌تردید باعث می‌شود سطح آثار تلویزیونی آن هم در شرایطی که گفته می‌شود نقدها نسبت به این رسانه افزایش یافته، زمینه‌ای فراهم می‌کند تا تلویزیون کارهای خودش را به رقابت با یکدیگر وادارد و به نوعی از این طریق باعث افزایش سطح کیفی آثار شود.

او درباره روند داوری در این جشنواره خاطر نشان کرد: بی‌شک هر چقدر در این امر از نظر اهل فن بهره گرفته شود نتیجه مثبت‌تری در پی خواهد داشت.

محمدعلی کشاورز، بازیگر پیشکسوت تلویزیون درباره برگزاری جشنواره جام‌جم معتقد است: این جشنواره عمر چندین طولانی‌ای ندارد، اما در طول این مدت کوتاه هم توانسته هنرمندان را گرد هم جمع کند و بستر را برای آنها فراهم آورد تا در فضای سالم، آثارشان را نقد کنند. وی ادامه می‌دهد: اگر این جشنواره خواستار پیشرفت است باید تمام تلاش خود را به کار ببندد که از حالت یکسویه خارج شود و به شکل کاملاً مستقل عمل کند. تلویزیون نباید به بهانه این که متولی برگزاری این جشنواره است، رنگ و بوی استقلال را از آن بگیرد بلکه به شکل کاملاً بی‌طرفانه به جشنواره اجازه نقد بدهد.

کشاورز در پایان درباره نحوه داوری این جشنواره خاطر نشان می‌کند: صداوسیما باید به داورانش اجازه

دهد مستقل عمل کنند و آثار را به لحاظ کیفی مورد بررسی قرار دهند.

پروانه معصومی نیز درباره نحوه برگزاری جشنواره جام‌جم می‌گوید: ما شاهد رشد خوبی در برگزاری جشنواره بوده‌ایم. اگر برگزارکنندگان سعی دارند این جشنواره رشد بهتری داشته باشد باید ابتکار عمل داشته باشند و با ایجاد فضای رقابتی، سازندگان آثار مختلف را کنار هم قرار دهند.

وی درباره شیوه داوری آثار در این جشنواره تصریح می‌کند: فراموش نکنید یکی از والاترین هدف‌های رسانه‌ای نظیر تلویزیون، میزان جذب مخاطب است، به همین علت باید در این مورد دقت کافی شود تا در کنار کیفیت کارها به میزان جذب مخاطب هم توجه شود.

گلاره عباسی، بازیگر درباره میزان تاثیرگذاری جشنواره جام‌جم بر بالا بردن کارهای مختلف جام‌جم بر بی‌شک نمی‌توان از میزان اثرگذاری جشنواره جام‌جم بر بالا بردن کیفیت کارها چشم‌پوشی کرد، چون طی همین مدت مشخص شده این جشنواره می‌تواند در ارتقای سطح آثار مختلف تلویزیونی بویژه سریال‌ها موثر باشد، ولی موضوع این است باید بیشتر از آن که به بار کمی این جشنواره اهمیت داده شود، بار کیفی آن مهم باشد.

وی درخصوص داوری این کارها می‌گوید: بخش داوری در هر جشنواره‌ای اهمیت بالایی دارد، چرا که به نوعی نشان‌دهنده ارزشگذاری روی کارهای مختلف است. درباره این جشنواره هم باید گفت، هیات داورانی که انتخاب می‌شوند از دل اهالی هنر و منتقدان باشند تا از این طریق، قضاوت بهتری روی کارهای مختلف داشته باشند.

الهام چرخنده هم که این روزها سریال «آوای باران» را از شبکه سه در حال پخش دارد، در مورد لزوم برگزاری جشنواره جام‌جم می‌گوید: شکی نیست برگزاری این جشنواره آن هم در سطح بالا شور و شوق را میان

سازندگان آثار مختلف و بازیگران بالا می‌برد، چون نوعی رقابت در آنها ایجاد می‌کند و از این طریق باعث می‌شود هنرمندان در ارائه کارهای خودشان دقت بیشتری داشته باشند.

وی درباره شیوه داوری در این جشنواره می‌گوید: تاکنون داوری‌ها به گونه‌ای نبوده که کسی نسبت به آن انتقادی داشته باشد، اما بهتر است برای سطح کار، هم سلیقه مخاطب در نظر گرفته شود و هم کارشناسان در این مورد نظرانشان را ارائه کنند تا از این طریق به بالانسی دست یافت.

الهام غفوری، تهیه‌کننده مطرح تلویزیون نیز درباره لزوم برگزاری جشنواره جام‌جم می‌گوید: این جشنواره در طول سه سال اخیر روند رو به رشدی طی کرده و شکی ندارم اگر این روند را ادامه دهد، شاهد پیشرفت بیشتری در این حوزه خواهیم بود.

وی در ادامه می‌گوید: این جشنواره فضای سالمی برای رقابت میان آثار مختلف ایجاد می‌کند و به نوعی شرایط آثار تلویزیونی از نظر کیفی به سمت کارهای سینمایی می‌رود و از این نظر بسیار اثرگذار و خوب است. غفوری درباره نحوه داوری در جشنواره می‌گوید: هر چقدر داوران از دل اهالی هنر انتخاب شوند، بی‌شک کیفیت کارها هم بالا خواهد رفت.

اما حمید مدرس، تهیه‌کننده مجموعه «کلاه قرمزی» هم جشنواره جام‌جم را تاثیرگذار می‌داند و می‌گوید: این جشنواره می‌تواند تاثیر بسزایی در بالا بردن آثار کیفی داشته باشد به شرط آن که در فضای مستقلی برگزار شود.

وی درباره نحوه داوری در این جشنواره می‌گوید: بهترین راهکار در این مورد آن است که هنرمندان بی‌طرف را به عنوان داور در این جشنواره انتخاب کنند و از آنها خواسته شود در فضای سالم دست به انتخاب بزنند.

رقابتی که لازمه ارتقا است

محبوبه ریاستی

تلویزیون از جمله رسانه‌هایی است که بیشتر مردم با آن خو گرفته‌اند و از تماشای آن لذت می‌برند و هر کسی بنا به سلیقه خود، برنامه‌ای را انتخاب و نگاه می‌کند. در چند سال اخیر هم با افزایش کانال‌های مختلف و تولید هزاران برنامه مخاطبان انتخاب‌های بیشتری دارند، اگر چه ممکن است تولیدات زیاد برنامه‌ها کمی انتخاب را دشوار کند. در این میان سریال‌های تلویزیونی معمولاً طرفداران بیشتری دارند، چراکه اساساً دنبال کردن قصه و روایت برای مخاطب ایرانی دلپذیرتر است و برایش حس بهتری به دنبال دارد، اما این را هم باید در نظر داشت که کیفیت همیشه مهم‌تر از کمیت است، اگر چه گاهی ما به هزار و یک دلیل کیفیت را نادیده می‌گیریم و کمیت برایمان بارزتر



می‌شود، اما مخاطب امروز آنقدر آگاه است که بتواند برنامه خوب و بد را از هم تمیز دهد.

چند سالی است صدا و سیما جشنواره‌ای برگزار می‌کند که در آن آثار مختلف خود را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و از بین هزاران برنامه، بهترین‌ها را انتخاب

و از آنها تقدیر می‌کند و جالب است که در این میان مخاطبان صدا و سیما نیز مشارکت دارند و قطعا برنامه‌هایی که بیشترین مخاطب را داشته، مورد تقدیر قرار می‌گیرد. به هر روی، برگزاری چنین جشنواره‌هایی نه تنها برای تولیدکنندگان برنامه‌های صدا و سیما باعث دلگرمی است و بین آنها رقابتی صمیمانه ایجاد می‌شود، بلکه از این نظر می‌توان کیفیت برنامه‌ها را نیز به لحاظ کیفی افزایش داد.

در ضمن باید گفت با برگزاری چنین جشنواره‌هایی بازیگران، کارگردانان و تهیه‌کننده‌های سیما می‌کوشند بهترین‌ها را به نمایش بگذارند و مطمئن خواهند بود، کارهای آنها قضاوت خواهد شد.

به هر روی جشنواره سیما در راه است و امید می‌رود داوران جشنواره با نگاه دقیقی که دارند، بهترین‌ها را انتخاب کنند تا از این نظر، همدلی دست‌اندرکاران و مخاطبان سیما بیش از پیش صمیمانه و محکم شود و هر روز شاهد پخش برنامه‌ها با استانداردهای بیشتری باشیم.

سال هادل طلب «جام جم» از ما می‌کرد

میدان بزرگ رقابت
برای تلویزیونی‌ها

فهیمة پناه‌آذر

برگزاری جشنواره‌های بزرگ و کوچک هنری، ادبی و سینمایی از دیرباز تاکنون در ایران به رسمی متداول تبدیل شده است. این جشنواره‌ها با اهداف و معیارهای خاص، در حالی برگزار می‌شوند که هر ساله تعداد آنها نیز افزایش می‌یابد. جشنواره‌هایی که به‌زعم برخی کارشناسان، حضورشان غنیمت بوده و گاه نقدهایی بر آن وارد است. رسانه ملی از این امر مستثنا نیست. معاونت سیما با توجه به رویکرد، اهداف و ماموریت‌هایی که به آن محول شده، جشنواره جام‌جم را برگزار می‌کند. برنامه‌سازانی که سال‌ها تنها معیار کیفیت آثارشان نظرات مردمی واصل به رسانه ملی بود، حالا در یک میدان رقابتی به‌عنوان جشنواره جام‌جم شرکت می‌کنند و همین مساله، انگیزه آنان را برای ساخت آثاری با کیفیت برتر بالا برده است.

جشنواره تلویزیونی جام‌جم با هدف شناخت و تقویت استعدادها و توان حرفه‌ای برنامه‌سازان، سه سال است برگزار می‌شود. رویکرد این جشنواره مروری بر عملکرد شبکه‌های تلویزیونی در عرصه‌های گوناگون و تجلیل از هنرمندان کوشا، خلاق، پویا و متعهد بوده است. این رویداد فرهنگی - هنری در شش بخش مجموعه‌های تلویزیونی، فیلم‌های تلویزیونی، مستند، برنامه‌های ترکیبی گفت‌وگو محور، پویانمایی و بین‌الملل برگزار و بخش‌هایی چون برنامه‌های ترکیبی و مستند نیز دیده شده است.

صدا و سیما اکنون با توجه به رقاباتی که دارد باید تلاشش را برای جذب مخاطب بیشتر کند. جامعه امروز از طریق قاب تلویزیون و ده‌ها رسانه در حال آموزش و رشد کردن است و در این میان نمی‌توان حضور و تاثیر صدا و سیما را نادیده گرفت و به دنبال آن برگزاری جشنواره جام‌جم می‌تواند تاثیر بیشتری بر شرایط و نحوه عرضه تولیدات بگذارد.

جشنواره جام‌جم علاوه بر تاثیراتی که درون سازمان دارد، می‌تواند بر جامعه بیرونی نیز تاثیرگذار باشد. نکته مهم این است که جشنواره جام‌جم انگیزه‌ای است برای کسانی که برنامه‌های متنوع در بخش‌های مختلف می‌سازند. البته نقدی که بر برگزاری جشنواره توسط سازمان وارد است و مورد انتقاد برخی هنرمندان قرار می‌گیرد، این است که رسانه ملی جشنواره‌ای برگزار و به نقد و داوری تولیدات خود می‌پردازد. این جشنواره می‌تواند با برگزار شدن در خارج از معاونت سیما مستقل‌تر عمل کند و داوری به عهده افرادی باشد که خارج از معاونت سیما فعالیت دارند.

با این حال برگزاری جشنواره توسط سازمان نیز تاثیرات خود را دارد، چراکه موجب شده مسئولان و کارشناسانی که به داوری این آثار می‌پردازند از دید و نگاه آسیب‌شناسانه آنها را ارزیابی کنند و این بررسی در ارتقای کیفیت و روند برنامه‌سازی موثر است. این جشنواره برای برنامه‌سازها مناسب است، زیرا اگر به‌عنوان بهترین انتخاب شوند، تشویق می‌شوند و اگر هم انتخاب نشوند در دوره‌های بعد برای دیده شدن تلاش بیشتری می‌کنند تا نظر مخاطبان و داوران را جلب کنند. شاید بتوان گفت این جایزه بیشتر از آن که برای قدیمی‌های تلویزیون اهمیت داشته باشد، می‌تواند برای کسانی که بتازگی در تلویزیون گام گذاشتند، موثر و از اهمیت بیشتری برخوردار باشد و رقابتی باشد برای بهتر شدن و دیده شدن. همچنین این جشنواره می‌تواند تشویقی برای تقویت کار گروهی در سازمان باشد.



میثم محمدی

و با عباری بالا اثر خود را ارائه کنند و همان‌طور که ذکر شد، مورد قضاوت مستقیم داورانی از دل مردم قرار گیرند و با شرکت خود در جشنواره پاسخی درخور به تقاضای مخاطبان خود دهند. البته یکی دیگر از مزیت‌های برگزاری جشنواره بین‌المللی تلویزیونی جام‌جم، صیقل دادن سلیقه مخاطب و در اصل استاندارد سازی تولیدات از جنبه‌های محتوایی و فرمیک براساس اصول حرفه‌ای و همچنین نیازهای روز جامعه است، درواقع مخاطب با واکنش مناسب و در پاره‌ای از موارد نگاهی انتقادی به یک محصول تلویزیونی، نیاز فرهنگی خود را مشخص می‌کند و پس از آن تولیدکنندگان با هوشیاری و تجزیه و تحلیل بازخوردهای مجموعه‌های مورد نظر، ضمن به کارگیری ظرافت‌های هنرمندانه، به نگارش و تولید اثر می‌پردازند و با گذشت زمان این سیر تکامل در عرصه ساخت مجموعه‌ها و فیلم‌های تلویزیونی به ثبات و تعادلی قابل قبول خواهد رسید و به نوعی زبانی مشترک و دوجانبه که با درک و فهم متقابل همراه است، ایجاد می‌شود و همین پاسخگویی به نیاز مخاطب و در نقطه مقابل احترام به یک اثر هنری ارزشمند می‌تواند مهر ابطال و انحلالی بزند بر مدیریت برخی رسانه‌های برون مرزی که با فرانهادهن پا از حریم خود و توهم شناخت نیاز مخاطب ایرانی، در صدد جذب، آن هم با ضعیف‌ترین و سادستی‌ترین موضوعات هستند.

حال آن‌که این مقابله فرهنگی خارج از هرگونه حس پیروزمندی در جنگ نرم رسانه‌ای، گامی مثبت است که محصول یک مهندسی صحیح از سوی متولیان و یک تعقل و تفکر سازنده به شمار می‌آید که خروجی آن سالانه در جشنواره جام‌جم نمایان می‌شود.

البته در کنار این همه نقاط مثبت بی‌تردید نقاط ضعفی نیز در سطح و عمق جریان خواهد داشت که باید برطرف شود. در کنار شکافتن جزئیات حسن مدیریت برگزارکنندگان این جشنواره، باید به ظرفیت بین‌المللی آن نیز اشاره کرد. در این سو، نه فقط برگزاری فراملیتی و چند صدایی فرهنگی این جشنواره فقط بر حسب عرض اندام نیست، بلکه اقدامی کارآمد است که می‌تواند موازی با مزیت‌های پرشمرده از حضور تولیدکنندگان داخلی از تعامل و رقابت گرفته تا ایجاد انگیزه، اثراتی مثبت به همراه داشته باشد.

بی‌شک برخورد و تقابل ایدئولوژیک و تلافی نگاه هنرمندانه فیلمسازان و عاملان تولید از کشورهای گوناگون، به ایجاد یک خیابان فرهنگی دوطرفه خواهد انجامید که نقش کشورمان در آن موثر است و موجب تبادل و صدور فرهنگ و از طرفی تعادل روابط با دیگر کشورها و همچنین تاثیرپذیری مثبت خواهد شد و محملی بی‌بدیل برای ترویج ارزش‌های فرهنگی کلان جامعه ایرانی در خارج از مرزها خواهد بود و از جنبه‌های دیگر نیز ضمن ایجاد شرایط همکاری‌های مشترک میان هنرمندان، در اصل نوعی بازار تولیدات تلویزیونی نیز قلمداد می‌شود که بسیار حائز اهمیت است.

برشمردن این نکات مثبت دلیل بر بی‌نقص بودن این رویداد فرهنگی نیست، بلکه با توجه به نوظهور بودن چنین جشنواره‌ای با نگاهی به آینده می‌توان امید داشت در صورت ادامه برگزاری و همچنین دور ماندن از نگاه‌های سلیقه‌ای برخی مسئولان، به جایگاهی فراتر از این دست باشد.

هر ساله مجموعه‌های تلویزیونی مختلفی، در موضوعات گوناگون، و با رنگ و لعاب مختلف و درجه‌های کیفی متفاوت از شبکه‌های مختلف رسانه ملی پخش می‌شود. همین تعدد تولیدات تلویزیونی و ترافیک سنگین تولیدکنندگانی که رسانه تلویزیون را به‌عنوان ابزار بیانی مناسبی برای برقراری ارتباطی سالم و پویا می‌دانند، آنان را به این دغدغه واداشته که هر بار باید تلاش بیشتری انجام دهند تا از فهرست برنامه‌های رسانه ملی خارج نشوند و با عبور از استانداردها، تولید خود را در معرض دید مخاطب قرار داده و هنرنمایی کنند.

با وجود این مسئولان و متولیان رسانه ملی درصدد برآمدند با ایجاد فضایی رقابتی و در میان این ازدیاد تولیدات تلویزیونی، بهترین‌ها را گزینش کرده و با مخاطب روبه‌رو کنند و در واقع بستری فراهم نمایند تا سوره از ناسره تشخیص داده شود و مخاطب پسندترین تولیدات رسانه‌ای را برای تماشای ارائه کنند. اکنون این فضا با عنوان جشنواره تلویزیونی جام‌جم سومین سال حیات خود را پشت سر می‌گذارد. این رویداد در اصل یکی از بهترین دستاوردهای فرهنگی مسئولان رسانه در سال‌های اخیر به شمار می‌رود و فقط برای نمایش قدرت و عرض اندام و خودنمایی به وجود نیامده است. با وجود این که همیشه درخصوص برگزاری جشنواره‌هایی از این دست، با انتقادهای فراوانی نسبت به برخی معضلات موجود در متن و حاشیه (از هزینه‌های برگزاری گرفته تا موازی کاری‌های بی‌محتوا برای خودنمایی در زمینه بیان کاری) روبه‌رو می‌شود، اما جشنواره بین‌المللی فیلم‌های تلویزیونی جام‌جم در دوره‌های گذشته طبق یک طراحی دقیق و مهندسی صحیح توانسته نوید یک محفل فرهنگی و اجتماعی سرشار از خروجی‌های مثبت را بدهد.

یکی از دلایل درخشش جشنواره بین‌المللی جام‌جم در اصل زبان رسانه‌ای آن است که تلویزیون را شامل می‌شود. این رسانه با توجه به ذات فراگیری اجتماعی در مقابل سینما با مخاطبان ناب‌تر و متنوع‌تری از لحاظ سلیقه مواجه است که ایجاد ارتباط و اقناع آنها امری سهل و ممتنع به نظر می‌آید، زیرا به‌دلیل حجم تولیدات تلویزیونی حرکت کردن در یک منحنی قابل قبول با نوسان منطقی، بسیار دشوار است و در همین جهت به تفکیک سازنده، انتخاب درست و مطابق با تقاضای مخاطب و متناسب با شرایط، عرضه صحیح و هوشمندانه در زیر سایه ساماندهی سیستم اقتصادی تولید حس می‌شود.

با وجود چنین جشنواره‌ای، تولیدکنندگان با شرکت خود در معرض قضاوت داورانی قرار گیرند که با نگاهی دقیق و با متر و معیار حرفه‌ای به گزینش و معرفی می‌پردازند و برترین‌ها را در حوزه‌های گوناگون برمی‌گزینند. حالا با در نظر گرفتن مخاطب تلویزیون به‌عنوان یک قاضی هوشمند و نکته‌بین در کنار این جریان، باید در مجموع جشنواره بین‌المللی تلویزیونی را یک ناظر هوشمند و منتقدی تیزبین دانست. از سوی دیگر فیلمسازان، نویسندگان، بازیگران و در مجموع هنرمندانی که دغدغه حضور در قاب تلویزیون را دارند و به نوعی در قبال تماشای خود را مدیون می‌دانند، تمام سعی و تلاش خود را به کار می‌گیرند تا با بهترین اندوخته‌ها

انتخاب رادیو به حکم دل بود

وحید قاسم پور

فاطمه آل عباس، گوینده رادیو چند دوره در جشنواره‌های بین‌المللی و داخلی به‌عنوان گوینده منتخب و برتر رادیو انتخاب شده است. خودش می‌گوید: من عاشق رادیو بودم و رادیو مرا انتخاب کرد. او متولد ۱۳۵۱ است و فعالیت در رادیو و تلویزیون را سال ۱۳۷۲ در مشهد به‌عنوان مجری آغاز کرد. وی سال ۱۳۷۶ با عزیمت به تهران و ادامه فعالیت رادیویی در رادیو جوان همکار حرفه‌ای‌های رادیو شد. از سال ۱۳۸۴ تاکنون صدای آل عباس در برنامه «خانه و خانواده» رادیو ایران کانون خانواده‌ها را گرم می‌کند. البته شنوندگان رادیو پیام، رادیو آوا و رادیو خانواده نیز با صدایش بیگانه نیستند. شور و علاقه فاطمه آل عباس به رادیو ما را بر آن داشت تا به سراغ او برویم. گفت‌وگوی صمیمانه ما را با این هنرمند بخوانید.

چطور شد در عرصه گویندگی و دنیای هنر حضور پیدا کردید؟

در کلاس‌های استاد مهدی صباغی، آموزش تئاتر می‌دیدم که مجالی شد برای واقعی شدن رویای کودکی‌ام. من از کودکی عاشق رادیو شدم. با سلام کوچولو، شب بخیر کوچولو و حتی همین برنامه‌ای که سال‌هاست خودم گویندگی می‌کنم، عجیب شده بودم و صدای گویندگانش را دوست داشتم.

شما با توجه به علاقه و پیگیری گوینده شدید یا به صورت اتفاقی؟

بهتر است این طور پاسخ بدهم. من عاشق رادیو بودم و رادیو مرا انتخاب کرد.

قبل از ورود به عرصه رادیو چه حسی نسبت به صدای خودتان داشتید؟ پس از پختگی چه حسی دارید؟

صادقانه بگویم، حسی نسبت به صدای خودم نداشتم. البته ناخودآگاه به روزهای مدرسه‌ام برمی‌گردم. آن زمان اغلب برنامه‌های صبحگاه مدرسه با من بود، مثل دعای فرج و دعا برای پیروزی رزمندگان اسلام. خاطرتم هست یک‌بار میکروفن خراب شده بود و مدیر مدرسه گفت: «آل عباس شروع کن. تو میکروفن لازم نداری.» با این‌که از آن روزها خیلی دورم، اما شاید جسارت در گفتن را از همان روزها آموختم. معمولاً صدای خود را مثل یک ارزیاب یا داور سختگیر می‌شنوم که بیشتر به دنبال رفع نقاط ضعف کارم هستم تا لذت بردن از صدای خودم.

علاقه عجیبی به رادیو دارید، چرا رادیو را ترجیح می‌دهید و اگر پیشنهاد اجرا در تلویزیون داده شود، به شرط دوری از رادیو چه تصمیمی می‌گیرید؟



معضلی بزرگی است که ترجیح می‌دهم در این گفت‌وگو کمتر به آن بپردازم، چون گلایه‌های زیادی در این خصوص دارم که جای بحث بسیار دارد. فقط به همین بسنده می‌کنم که درصد بالایی از این کلاس‌ها کاملاً غیرحرفه‌ای، غیرعملی و فقط با اهداف سودجویانه است و برای این ادعا هم دلایل زیادی دارم که اگر مجالی بود، حتماً در گفت‌وگویی فقط در این زمینه با چند نفر از همکارانم صحبت خواهیم کرد.

شیرین‌ترین و تلخ‌ترین خاطره شما از سال‌های حضور در رادیو چیست؟

اول خاطره تلخ را بگویم که جای خالی همکارانی است که دیگر نیستند. با رفتن آنها جای خاطرانشان خالی می‌ماند و وقتی به جای خالی آنان برمی‌خورم، یک خاطره تلخ است، اما خاطره شیرینی که در ذهنم می‌چیند، فرستادن هدیه از طرف یک خانم از نقطه‌ای دور و مشخصاً شهر فسا بود که خیلی خوشحالم کرد. یک قواره پارچه، یک بسته چای و یادداشتی که ضمن تشکر به من، خسته نباشید گفته بود. لطف مردم برایم ارزش است.

آیا مطالبه‌ای از رادیو دارید؟

عجب سوالی! نمی‌دانم چرا ولی این بیت یکبار به ذهنم رسید: «عاشقی را شرط تنها ناله و فریاد نیست / تا کسی از جان شیرین نگذرد، فرهاد نیست» به این خاطر گفتم که بدانیم کسانی مثل من که رادیو را انتخاب کردند، به حکم دل بود، نه شهرت و ثروت.

و از مسئولان رادیو؟

به همین مصرع بسنده می‌کنم؛ هیچ عاشق سخن سخت به معشوق نگفت. حرمت عشق ما به رادیو را مثل همیشه نگه دارند.

کلام آخر؟

«خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد». اعتبار رادیو به مخاطبانش است. رفقای قدیمی که از سال‌های دور بر سر این رفاقت مانده‌اند. انتظار من از مخاطبان رادیو این است که مخاطب فعال باشند، نه منفعل. هر چه مطالبات آنها از رادیو بیشتر باشد، سطح کیفی برنامه‌ها هم بالا خواهد بود که از طریق روابط عمومی صدا و سیما و شبکه‌های رادیویی این امر میسر خواهد بود.

غفلت کنید و به مردم آدرس غلط بدهید، بویژه این که من سال‌هاست در برنامه خانه و خانواده‌ام. می‌خواهم فارغ از تعصب بگویم، تاثیر تلویزیون بر افکار عمومی بیشتر است یا رادیو؟ تاثیرگذاری رسانه‌ها به شرط مدیریت صحیح پیام اتفاق می‌افتد؛ چه در رادیو و چه در تلویزیون. به‌زعم بنده چون رادیو بیشتر قابل دسترس است، شانس تاثیرگذاری بیشتری دارد.

دلیل موفقیت شما چه بوده و چه معیارهایی برای تسلط یک مجری لازم است؟

دلیل موفقیت من در این راه اول خواست خدا بوده و بس. من ایمان دارم به این آیه: «تَعَزُّوْا مِنْ تَشَاءِ وَ تَذَلُّوْا مِنْ تَشَاءِ»؛ او خواست من این باشم. خودم هم از هیچ تلاشی کوتاهی نکردم و راهی را که هدفم بوده با تمام فراز و فرودهایش شناختم و برای پیمودنش تلاش کردم، همیشه سعی‌ام بر این است یک مجری رادیو از جنس خود مردم باشم.

کلاس‌های فن بیان چه تاثیری بر پروراندن صدای علاقه‌مندان گویندگی دارد؟

این کلاس‌ها که این روزها یکی دو تا هم نیست،

شاید باور نکنید، اما وقتی در خانه‌ای یک رادیوی قدیمی می‌بینم، بیشتر ذوق می‌کنم تا یک تلویزیون یا تمام امکانات روز. ضمن احترام زیادی که برای تمام همکارانم در تلویزیون قائم، به نظر من رادیو رسانه‌ای اصیل‌تر و مردمی‌تر است. انگار برای همه است. با هر بودجه و امکاناتی و در همه جا در دسترس است. اتفاقاً چند سالی است با توجه به تعدد شبکه‌های تلویزیونی و لطف همکارانم در سیما پیشنهادهای زیادی برای اجرا در تلویزیون داشتم، اما بودن در قاب تصویر به شرط دوری از رادیو همیشه فکری آزاردهنده است.

دغدغه شما در زندگی هنری چیست؟

دغدغه من نیفتادن در دام تکرار و حرفه‌ای شدن است. جمله زیبای نادر ابراهیمی مصداق آن است: نمازی که از روی عادت خوانده شود نماز نیست، تکرار یک عادت است و نوعی اعتیاد. حرفه‌ای شدن پایان قصه خواستن است. حرف نو داشتن برای مخاطب یکی از دغدغه‌های من است و از همه مهم‌تر این که صدای نکرده نشانی غلط به مردم ندهم. جمله‌ای از مدیر رادیو ایران، دکتر شیخ محمدی سال‌هاست در گوشم زنگ می‌زند. مراقب باشید به مردم چه می‌گویید. نکند



گفت و گو با عباس جهانگیریان، نویسنده و پژوهشگر درباره اقتباس ادبی در تلویزیون

اغلب نویسندگان ما نگاه تلویزیونی ندارند

پریسا چینی

عباس جهانگیریان پژوهشگر، نمایشنامه‌نویس، مدرس دانشگاه، نویسنده داستان‌های کودک و نوجوانان و دارای مدرک فوق لیسانس در رشته ادبیات نمایشی است. وی تاکنون در زمینه اقتباس آثار نمایشی از ادبیات پژوهش‌های زیادی داشته است. فیلم‌های «از هامون تا دریا» و «مرد کوچک» به کارگردانی ابراهیم فروزش و «روز عید» به کارگردانی محمدعلی طالبی از آثاری هستند که از داستان‌های جهانگیریان اقتباس شده‌اند. وی همچنین دبیر هیات داوران فیلمنامه اقتباسی در هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان، دبیر همایش اقتباس ادبی در سینمای کودک و نوجوان اصفهان و دبیر طرح اقتباس ادبی بوده است. با جهانگیریان در زمینه بهره از ظرفیت اقتباس در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی به گفت‌وگو نشستیم.

ادبیات ایران ظرفیت داستانی بالایی دارد، اما کمتر فیلم و سریالی را دیده‌ایم که از این ظرفیت بهره برده باشد. چرا؟

احساس می‌کنم بی‌اعتنایی آگاهانه یا نبود شناخت یا لجاجت است که باعث شده فیلمسازان و مدیران کمتر نگاهی به این ظرفیت کنند و دوست دارم پاسخ فیلمسازان و مدیران را بدانم. جایزه امی (Emmy) یکی از معروف‌ترین جوایز تلویزیونی آمریکاست و تاکنون ۵۳ درصد از فیلم‌های اقتباسی این جایزه را دریافت کرده‌اند. از سوی دیگر عموماً سریال‌های پرطرفدار براساس رمان‌ها ساخته شده‌اند، اما در ایران این اتفاق کمتر می‌افتد. وقتی فیلمی براساس رمانی ساخته می‌شود، بخشی از مخاطبان را پیش از ساخت فیلم با خود همراه کرده است، چون مخاطبان این داستان‌ها علاقه‌مند هستند اثر تصویری رمان مورد علاقه خود را ببینند. در واقع داستان، ماده اولیه برای فیلمنامه‌نویسان و فیلمسازان است و باید بدهستان میان ادبیات و هنر نمایشی به وجود آید و رواج یابد. تجربه ثابت کرده هرگاه در این زمینه خوب کار شده، بهره خوبی گرفته‌ایم. به طور نمونه می‌توان به سریال موفق «قصه‌های مجید» - که برای گروه سنی کودک و نوجوان ساخته شد اما میان بزرگسالان هم جای خوبی باز کرد - اشاره کنیم. این را هم باید بگویم اگر علیرضا رضاداد در بنیاد سینمایی فارابی مانده بود، شاهد اتفاقات خوبی در زمینه فیلم‌های اقتباسی بودیم. وی جایزه فیلم اقتباسی را به جشنواره فیلم فجر اضافه کرد، اما این بخش بخوبی جریان‌ساز نشد و توجه به اقتباس در سینما و جشنواره فجر آن طور که باید ادامه نیافت. این نشان می‌دهد مدیران می‌توانند در قرار گرفتن اقتباس در مسیر صحیح خود اثرگذار باشند.

در طرح رمان نوجوان امروز در کانون پرورش فکری کودکان، صد قرار داد میان نویسندگان آثار کودک و نوجوان و کانون بسته شده و ۵۰ کتاب هم تاکنون منتشر شده است و این آثار، قابلیت دارند به فیلم و سریال‌های مناسب برای گروه سنی کودک و نوجوان تبدیل شوند. به نظر شما نمی‌شود راهکاری را برای دستیابی به تولید اقتباسی مطلوب جستجو کرد؟

باید این اتفاق بیفتد، اما تعامل قابل توجهی میان نویسندگان و تلویزیون شکل نگرفته است. در حالی که به نظر می‌رسد به‌عنوان مثال تعامل انجمن نویسندگان کودک و نوجوان با مدیر گروه کودک شبکه دو سینما می‌تواند بسیار ثمربخش باشد. البته موسسه فرهنگی هنری صبا تا حدی این کار را کرد و انیمیشن‌های خوبی از داستان‌های ایرانی خلق کرد. این اتفاق در سینما هم می‌تواند رخ دهد. فرصت‌های دیگری هم برای انجام این تعامل وجود دارد. به طور نمونه سازمان محیط‌زیست اعلام



کنند. این اتفاق سال‌های خیلی پیش در کشورهای دیگر افتاده است که می‌توان به ژاپن اشاره کرد. ژاپن ۳۵ سال پیش شورایی تصویب کرد تا از کشورهای مختلف آثاری جمع و آنها را مطالعه کنند. آنها پس از تهیه این آثار آنها را برای تولید طبقه‌بندی کردند و بعد گروهی دیگر با توجه به فرهنگ کشور خود آنها را دراماتیزه کردند و در اختیار گروه‌های مختلف قرار دادند. فیلم‌های زیادی از این مجموعه به نام فیلم‌های ژاپنی تولید شد که برگرفته از ادبیات کشورهای مختلف بود.

برخی فیلمنامه‌نویسان معتقدند با وجود غنای ادبی، اما کمتر اثری قابلیت دارد به فیلم تبدیل شود. شما این ذهنیت را قبول دارید؟

من قبول ندارم آثار ادبی ما قابلیت اقتباس را ندارند، من در دوره‌هایی در بنیاد سینمایی فارابی و پس از آن در موسسه سینمایی آوینی فیلم، آثاری که قابلیت اقتباس شدن را دارند، شناسایی کرده‌ام. البته این کار را برای برخی تهیه‌کنندگان هم انجام داده‌ام. اولین سوالم از این فیلمنامه‌نویسان و کارگردانان است که چقدر رمان و ادبیات ایرانی را مطالعه کرده‌اند؟ متأسفانه بیشتر فیلمنامه‌نویسان و فیلمسازان، کمتر مطالعه می‌کنند و آن قدر درگیر انجام کارهایشان هستند که گوشه چشمی هم به ادبیات ایران ندارند. مشکل دیگری هم که در این میان وجود دارد، این است که فکر می‌کنند باید رمان را نعل به نعل دکوپاژ و آن را به فیلم تبدیل کنند، در حالی که اقتباس از کلمه قیس می‌آید. در گذشته افراد قبیله از اجاق رئیس قبیله آتشی می‌گرفتند که هم اجاق خود را روشن می‌کردند و هم این که به رئیس قبیله نشان دهند، وی مورد قبول آنهاست



تولید فیلم از ادبیات

کرده با صدا و سیما تفاهم‌نامه‌ای برای ساخت فیلم‌هایی با موضوع محیط زیست منعقد کرده است، چه کسانی بهتر از نویسندگان ادبیات ما وجود دارند که بتوان از آثارشان برای ساخت فیلم یا سریال استفاده کرد؟

شما معتقدید همه رمان‌ها قابلیت تبدیل شدن به فیلم دارند؟

بله، بیشتر رمان‌ها قابلیت تبدیل شدن به فیلم را دارند و هرگاه این اتفاق افتاده، نمونه موفق تولید شده است. در گذشته سینما فیلم‌سازان شورایی اقتباسی تشکیل داد و یکسری کار هم تصویب شد، اما تعداد آثار تولید شده، از چهار یا پنج مورد تجاوز نکرد و این حرکت ادامه نیافت. مرکز تحقیقات صدا و سیما در تولید می‌تواند شورای اقتباسی با حضور افرادی که با سینما و ادبیات آشنا هستند، تشکیل بدهد تا آثار موجود در بازار را مطالعه و آنها را طبقه‌بندی



نمایی از فیلم از مرد کوچک

تا این که قیس وارد ادبیات شد و اقتباس شکل گرفت و به معنای این است که یک تکه آتش می‌آوری و با آن اجاق خود را روشنایی می‌بخشی. یک رمان می‌تواند ایده بدهد و فیلمنامه‌نویس ایده‌ای از داستانی بگیرد و فیلمنامه خود را براساس آن خلق کند. گاهی اقتباس می‌تواند در حد یک ایده باشد یا فقط ۲۰ درصد از رمان در آن بیاید. ما زمینه‌های ادبی گسترده‌ای مانند سفرنامه ناصر خسرو داریم که می‌توان از آن سریال‌های ارزشمندی تولید کرد، البته منظور من، صرفاً ساخت فیلم‌های تاریخی درباره شخصیت‌ها نیست. البته در برخی کارها که به سریال یا فیلم تبدیل شده‌اند، پیش آمده برداشت آزاد و اقتباس غیرمستقیم از داستان‌ها، اعتراض برخی نویسندگان را نسبت به اشاره نکردن فیلمساز به نام نویسنده منبع اصلی به همراه داشته است. رعایت نشدن حق کپی‌رایت و حمایت نکردن حق مولف، سبب شده این اتفاق بارها تکرار شود. دعوای زیادی میان نویسندگان و فیلمنامه‌نویسان وجود دارد که اگر نویسنده عضو صنفی باشد شاید بتواند پیگیری‌هایی کرده و پولی را از تهیه‌کنندگان دریافت کند، در غیر این صورت دست نویسنده به جایی بند نیست. این را هم شنیدیم که قرار است کتابی درباره صد فیلم و سریال که از آثار نویسندگان سرقت شده‌اند، منتشر شود.

آیا موضوع اقتباس به نویسندگان هم می‌تواند کمک کند؟

تیراژ کتاب‌ها در وضع فعلی اندک است و هر نویسنده‌ای تمایل دارد تیراژ کتاب‌هایش افزایش یابد، چراکه هدفش جذب مخاطب است. پس اقتباس ادبی از این نظر، به نویسنده کمک می‌کند آمار مخاطبان خود را افزایش دهد. قصه‌های مجید پس از این که به سریال تبدیل شد، چندبار تجدید چاپ شد. از سویی یک کتاب نهایتاً در ۳۰۰۰ نسخه چاپ می‌شود که اگر پنج بار هم تجدید چاپ شود، مخاطبان ۱۵ هزار نفری دارد، در صورتی که وقتی به فیلم یا سریالی تبدیل می‌شود، حداقل پنج میلیون نفر مخاطب به همراه خواهد داشت. نکته بعدی موضوع مادی است. تصور کنید نویسنده از انتشار یک کتاب چقدر می‌تواند درآمد حاصل کند؟ در حال حاضر به یک میلیون تومان هم نمی‌رسد، ولی وقتی بحث اقتباس ادبی پیش می‌آید و امتیاز نمایشی یک اثر ادبی خریداری می‌شود، برای نویسنده جبران کاستی‌های اقتصادی در نشر خواهد شد. از همه اینها گذشته، تعامل سینمای کودک و ادبیات بدون شک می‌تواند نتایج خوبی داشته باشد. البته در دهه‌های گذشته نیز تلفیق این دو وادی به برآیند مثبتی انجامیده است. صرف‌نظر از اینها، فیلمساز چه چیزی بهتر از این می‌خواهد که مواد آماده برای ساخت یک فیلم داشته باشد.

تعامل ادبیات با سینما و تلویزیون در شیوه نگارش و رویکرد نویسندگان هم اثر می‌گذارد؟

بله، نویسندگان هم می‌توانند از فیلم و سریال بهره ببرند. باید توجه داشت نویسندگان ما غالباً نگاه سینمایی یا تلویزیونی ندارند و مقوله اقتباس می‌تواند روی آثار آنها تأثیر بگذارد. در گذشته بیشتر توصیفات، کلامی و پر از اطناب بودند، ولی الان بیشتر بصری شده‌اند و نگاه و قلم نویسنده تحت تأثیر فیلم‌ها در توصیفات، فضا سازی، طراحی صحنه و... تغییر می‌کند.

ژانرها اغلب برای هماهنگی با درونمایه، غنی‌تر کردن شخصیت‌ها و تغییر دادن حال و هوا و حس فیلم با هم ترکیب می‌شوند. به عنوان مثال تقریباً در هر قصه جنایی یک داستان عشقی به عنوان پیرنگ فرعی وجود دارد.

با توجه به وجود بیش از ۲۴ ژانر اصلی، راه‌های بی‌شماری برای تلفیق خلاقه آنها وجود دارد. بنابراین نویسنده‌ای که بر ژانرها تسلط کامل داشته باشد، می‌تواند فیلمی بیافریند که دنیا هنوز به خود ندیده است.

از این گذشته تسلط بر ژانرها باعث مورد توجه قرار گرفتن اسنادی می‌شود که در آنها فیلمنامه‌نویس را به روز می‌کند. زیرا قراردادهای ژانر یک بار و برای همیشه نوشته نشده‌اند، بلکه به موازات تحولات اجتماعی، پیوسته در حال تغییر، تکامل، تطبیق و تعدیل هستند و تحولات اجتماعی ضربه‌هاگندی دارند، اما به هر حال به وقوع می‌پیوندند و با ورود جامعه به مرحله‌ای جدید، ژانرها نیز دستخوش دگرگونی می‌شوند؛ چرا که ژانرها چیزی نیستند جز پنجره‌هایی گشوده بر واقعیت یا به عبارتی راه‌هایی متفاوت برای نگرستن به زندگی. وقتی واقعیت مقابل پنجره دچار تغییر و تحول می‌شود ژانرها نیز به تبع آن تغییر می‌کنند. در غیر این صورت اگر ژانری انعطاف خود را از دست بدهد و نتواند پایه‌های جهان متغیر حرکت کند، دچار رکود و فترت می‌شود. منظور از این انعطاف‌پذیری یک کشیدن نمایندگی جامعه‌ای است که فیلمنامه در آن نوشته می‌شود. یک فیلمنامه، غیر از ویژگی‌های زمانی خاص خود باید مولود عصر حاضر باشد و فارغ از هر نوع ژانری که در زیر مجموعه آن قابل دسته‌بندی است، واقعیت‌های اجتماعی را هم در بر بگیرد.

اما دلیل دیگری بر اثبات اهمیت اشرف و تسلط بر ژانر این است که فیلمنامه‌نویسی کار دوندگان سرعت نیست. حقیقت این است که نوشتن یک فیلمنامه خوب از اولین جرقه تا نسخه نهایی، دست‌کم شش ماه طول می‌کشد.

نوشتن یک فیلمنامه به لحاظ خلق یک جهان، یک شخصیت و یک داستان همان قدر کار می‌برد که نوشتن یک رمان ۴۰۰ صفحه‌ای و تنها تفاوت واقعی در تعداد کلماتی است که در هر یک به کار می‌رود. فیلمنامه به دلیل فشردگی شدید خود کار و زمان زیادی می‌طلبد. حال اگر بتوانیم آزادانه و به دلخواه آن را به رشته تحریر در بیاوریم، کار ساده‌تر و حتی سریع‌تر می‌شود.

نویسندگان بزرگ عموماً از التقاط میرا هستند. هریک از آنها توجه خود را منحصرأ به یک ایده و به موضوعی که آنها را به وجد می‌آورد، معطوف کرده و در سراسر عمر همان موضوع را با تغییرات و تحولاتی زیبا دنبال می‌کنند.

به طور کلی ژانر باید منبع الهام و آفرینش باشد. باید هر بار که نسخه نهایی فیلمنامه‌تان را می‌خوانید شما را تکان بدهد. به این معنی که نسبت به برآیند کار خود احساس به روز بودن کنید، برگرفته از واقعیت و دارای معیارهایی اصولی باشد. این احساس را به خودی خود می‌توان سرآغاز خلق یک اثر کم‌نظیر دانست. چرا که یک فیلمنامه خوب حتی در بدترین شرایط کیفی تولید نیز می‌تواند خروجی قابل قبولی داشته باشد.

۲ فیلم تلویزیونی در یک نگاه

نگاهی به تله‌فیلم‌های «یک دقیقه و یازده ثانیه» و «آوازهای مادرانه» که هفته گذشته روی آنتن رفت

مریم‌رها



نمایی از تله‌فیلم «یک دقیقه و ۱۱ ثانیه»

پورهاجریان ساخته شده و در آن ثریا قاسمی در نقش مامان شکوه و سیما تیرانداز در نقش فرانک نقش‌های اصلی را ایفا کرده‌اند.

مامان شکوه که زنی پیر و از کار افتاده و البته کمی تلخ و بدعقل است، با مستخدم پیر و کهنه‌کار منزلش سرناسازگاری می‌گذارد تا این که او خانه را ترک می‌کند. فرانک که تنها دختر شکوه است، به خاطر مادر مجبور می‌شود بیشتر به خانه او بیاید و بتدریج زندگی زناشویی او تحت تاثیر این جریان، به هم می‌ریزد. او پرستاری جوان و پرشور به نام ستاره را که خانواده‌اش را در زلزله رودبار از دست داده، برای مادر انتخاب می‌کند،

اما شکوه که دختر را هم‌نسل خود نمی‌داند، ابتدا با او نمی‌تواند کنار بیاید. مادر اما پس از گذشت اندک زمانی، به ستاره خو می‌گیرد، اما این بار با گم‌شدن گردنبد یادگاری همسرش، به ستاره مظنون می‌شود. ستاره از آنجا می‌رود و پس از رفتن او، شکوه گردنبد را در حیاط خانه می‌یابد و پشیمان از رفتارش با ستاره، برای گرفتن حلالیت از او راهی شمال می‌شود. این اولین بار است که او پس از سال‌ها از خانه خارج می‌شود. روایت خطی این داستان ساده و بی‌ادعا، بسیار دلنشین و دقیق است. در این فیلم شخصیت‌پردازی شکوه، دختر و پرستارش بسیار نزدیک به واقعیت‌های روزمره است. شکوه به‌رغم انتظار مخاطب حتی در بهترین حالت رفتاری - که نسبت به ستاره منطقی‌تر شده - اما لحن تلخ و رفتار پر از غرور خود را دارد و ثریا قاسمی ایفاگر نقشی زنده و جاندار است. فرانک (سیما تیرانداز) نیز که بسیار پرمشغله و کم‌حوصله است، با وجود آنچه او را به عنوان دختری بی‌عاطفه - که ماهی یکبار هم سراغ از مادرش نمی‌گیرد - معرفی می‌کند، پس از بی‌بردن به مشکلات مادر و اخراج مستخدم سابق، هر کاری از دستش برمی‌آید انجام می‌دهد، اما در حال رسیدگی به مادر، حاضر نیست هیچ کدام از نقش‌های زندگی‌اش را (به عنوان همسر، مادر و نیروی کار خارج از خانه) به خاطر مادر کم‌رنگ‌تر بازی کند یا از دست بدهد. او که تحول یافته شخصیت مادر

است، از روحیه جنگندگی و تلاش برای ساختن برخوردار است. این ویژگی درست نقطه مقابل و البته هم‌ریشه با روحیه سخت، خشن و انتقادناپذیر مادر است. این فیلم که پر از رنگ‌آمیزی هنرمندانه و چشمنواز است، فیلم‌برداری بسیار خوبی دارد و در مجموع خوش‌ساخت و خوش‌عکس است. همچنین استفاده از آکسسوار متفاوت و خوش‌رنگ، فضایی شاعرانه به فیلم داده که همه آنها از طریق ستاره - که تنها فرد پرشور و شر و عاشق با احساسات بکر است - بر فضای خانه حاکم می‌شود. حال و هوایی که در تقابل با فضای سرد و بی‌روح خانه شکوه و خود اوست.

اهمیت چندانی در فیلم ندارند و مهم، همان ساختار کلی فیلم است. قصه اول کمی پا را از رئال فراتر می‌گذارد و به سوررئال تنه می‌زند. مرد بدهکار که جرأت از خانه بیرون آمدن و رودرویی با طلبکار نزول خوارش را ندارد، با یک تلفن سفارش سلاح می‌دهد و ماشینش را با سلاح معامله می‌کند. در این بخش از فیلم، بازی‌های اغراق‌آمیز، گریه‌ها و داد و بیدادهای ساختگی و تصنعی بازیگران به قصه سطحی و پر از ایراد اضافه می‌شود و آن را خسته‌کننده می‌کند. بازیگرها بخصوص بازیگر زن اصرار دارند بگریند و بگریانند، بترسند و بترسانند.

سکانس خرید سلاح در ماشین نیز غیرهنرمندانه و عاری از زیبایی شناسی بصری است. قصه دوم - که قصه گم شدن عمدی بچه‌ای برای پیدا شدن پدر و مادر است - بسیار کلیشه‌ای است و نه در روایت و نه در بازی‌ها کوچک‌ترین تلاشی برای فرار از این کلیشه شده است. اگرچه بازیگران این ایزود بازی‌های نسبتاً بهتری دارند، اما قصه سوم که قصه پایه و اصلی این فیلم تلویزیونی است، روای بقیه ماجراهاست و شقایق فرانهانی در آن بازی کرده است. بازی او اگرچه بد نیست، اما به دلایلی که برشمرده شد با کلیت فیلم همگونی نمی‌یابد.



این فیلم تلویزیونی در روایت قصه اول بسیار ضعیف عمل می‌کند، ولی در قصه‌های بعدی کمی جان می‌گیرد. در واقع فیلم بیشتر یک تجربه فرمالیستی به نظر می‌رسد تا یک فیلم شش‌دانگ، آن هم تجربه‌ای که نوگرا نیست و فرمی را که بارها تجربه شده، از نو می‌آزماید. البته فیلم در فرم خوب عمل می‌کند و کارگردان بدون کمترین ایراد ساختاری، فرم اتخاذ شده را به سرانجام می‌رساند.

هر بار که کسی با تلفن حرف می‌زند، متوجه صداهایی نامربوط شده و از او کات زده می‌شود به شخصی که پشت خط، گوش ایستاده است و ماجرای او را تا جایی که از مشکل شخص اول گره‌گشایی شود، دنبال می‌کنیم. البته چفت و بست این سه قصه در خروج از یکی و ورود به دیگری کمی خام به نظر می‌رسد و چون به سلیقه کارگردان برمی‌گردد، محلی برای بحث نیست. با وجود فرم مناسب، قصه‌های این فیلم تلویزیونی ایزودیک، قصه‌های جذاب و دلنشینی نیستند و گویا



گزارش پشت صحنه برنامه «یه عصر خوب با ورزش»

گرمای استودیوی در یک عصر پاییزی

کیهان رویایی



امروز شنبه است، خودم را برای تهیه گزارشی از پشت صحنه یکی از برنامه‌های پاییزی شبکه رادیویی ورزش به استودیو می‌رسانم. سرمای پاییزی تا آستانه در ورودی استودیوی رادیو ورزش با من است؛ هوای استودیو گرم است و دست‌اندرکاران برنامه با شور و شوق برای تهیه یک برنامه دیگر آماده می‌شوند.

چند دقیقه دیگر، پخش برنامه «یه عصر خوب با ورزش» شروع می‌شود. برنامه‌ای که عصر روزهای زوج، روی آنتن رادیو ورزش می‌رود. البته اگر بازی ورزشی مهمی در جریان باشد، اولویت با پخش بازی است و در چنین روزهایی برنامه پخش نخواهد شد. روی صندلی نشست‌ام. مریم رستمی، سردبیر و تهیه‌کننده برنامه به ساعت خود نگاهی می‌کند و خطاب به مجری برنامه می‌گوید: برو توی استودیو! الان تیتراژ برنامه پخش می‌شه!

رستمی نگاهی به من می‌اندازد و می‌گوید: تیتراژ برنامه را سبحان اکرامی - که از گویندگان رادیو ورزش است - با کمک یکی از دوستانش ساخته و خودش هم آن را می‌خواند. او در این لحظه به احمد فرضی، مسئول هماهنگی می‌گوید: پیمان کجاست؟ چرا نیامده؟ امروز که توی سازمان بود، اما باز دیر کرده! چقدر از دست پیمان حرص بخورم...

صدابردار می‌گوید: ده ثانیه زمان داریم. رستمی در حالی که شماره تلفن همراه پیمان قریب پناه را می‌گیرد، از صدابردار می‌خواهد به آخر کلماتی که در جمله‌ها ادا می‌شود، اکو بدهد. علت را می‌پرسم. رستمی می‌گوید: این برنامه جنگ عصرگاهی است و به نظر من با اکو دادن به صدا، گفتار برای شنونده رادیویی جذاب‌تر و کار کشنگ‌تر می‌شود.

«سلام، از رادیو ورزش، صدای تحرک و نشاط با شما هستیم. باز هم یه عصر خوب دیگه از راه رسید؛ باز هم یک عالمه حرف‌های گفتنی و خبرهای داغ داریم با ما باشید. لحظه‌ها تون سرشار از شادی باشه». بعد از پخش یک قطعه موسیقی، فلفلی پسرک شیطون و بازیگوش (یکی از کاراکترهای مشهور این برنامه) جلوی میکروفون می‌رود و با لحن شیرین خود می‌گوید: سلام! خوبید؟ من عاشق پرسپولیس هستم. محمد درخشنده (مجری) می‌گوید: فکر کردم امروز طرفدار پاس همدان شده‌ای چون رنگ لباس تو امروز سبز شده! فلفلی می‌گوید: قرمزته! پرسپولیس صدر جدول، در ضمن این قسمت لباسم قرمز!»

کل‌کل‌های فلفلی و مجری یکی از بخش‌های جذاب و پرشنونده این برنامه است. فلفلی می‌گوید: «دوستان عزیز اس.ام.اس بزیند، تلفن بزیند تا با هم یه عصر خوبه دیگه داشته باشیم». مجری برنامه خطاب به فلفلی می‌گوید: «اس.ام.اس نه! بگو پیام کوتاه یا پیامک بزیند». فلفلی می‌گوید: «شنونده‌ها خودشون می‌دونن!»

مریم رستمی به مجریان برنامه اشاره می‌کند و از آنها می‌خواهد سؤال برنامه را مطرح کنند. در ادامه مجری برنامه می‌گوید: «به نظر شما کدام یک از چهار تیم فولاد خوزستان، تراکتورسازی تبریز، استقلال تهران و سپاهان اصفهان در لیگ قهرمانان آسیا شانس بیشتری برای صعود از گروه خود را دارند؟»

در این لحظه پیمان قریب‌پناه وارد استودیو می‌شود. سردبیر برنامه خطاب به او می‌گوید: باز دیر آمدی! و رو به من می‌گوید: بنویس باز دیر آمد!

احمد فرضی - که تا حالا سکوت کرده - با خنده می‌گوید: سرپرست تیم سپاهان اصفهان روی خط تلفن است. گفت‌وگو با او در مورد مسائل این تیم اصفهانی انجام می‌شود. گفت‌وگو با رستمی کمی به

سکه هم شنیده شود، چون برای خرید و فروش سهام به پول نیاز است. مریم رستمی می‌گوید: کلید را کمی آرام‌تر تکان بده، زیر صدا زیاد است.

در بخش پایانی برنامه، شوتی‌بان و فلفلی کنار محمد درخشنده، جواب تماس‌های تلفنی را می‌دهند. بعضی تلفن‌ها تعریف از فلفلی است که در این زمان شوتی‌بان اخم می‌کند. یکی از شنوندگان برای درخشنده که طرفدار بارسلوناست، کری می‌خواند. رستمی می‌گوید: بچه‌ها خیلی سر و صدا نکنید، یکی یکی جواب بدهید. کری‌ها ادامه می‌یابد تا وقتی که سردبیر اعلام می‌کند وقت برنامه تمام شده است. درخشنده می‌گوید: تا یه عصر خوبه دیگه خدا نگهدار!

محمد درخشنده مجری برنامه که از سال ۷۸ فعالیت خود را شروع کرده، می‌گوید: از پاییز سال گذشته اجرای برنامه را به عهده گرفتم. اوایل شلوغ کاری بازیگران برنامه، تمرکز من را به هم می‌زد، ولی خود را با این نوع شیوه کار وفق دادم.

مریم رستمی حالا از دغدغه‌های اجرایی جدا شده و می‌تواند بیشتر درباره برنامه حرف بزند. او که ۱۲ سال سابقه کار دارد، می‌گوید: فضای برنامه طوری طراحی شده تا در قالب برنامه‌های ورزشی، یک عصر خوب و بانشاط و شاد برای مردم فراهم شود. این برنامه نتیجه تلاش همگی دوستان از جمله نویسنده برنامه، شاهرخ باقری‌نژاد، احمد فرضی هماهنگی برنامه، همکاران بخش ارتباطات و دیگر دوستان است. در هر برنامه پنج نفر انتخاب می‌شوند تا روی خط تلفن بیایند و اطلاعات به‌روزی به مخاطبان برنامه ارائه کنند، اما گاهی یک یا دو نفر را می‌توان پیدا کرد.

رستمی حالا که برنامه تمام شده به نقل خاطرهای می‌پردازد که وعده‌اش را داده بود. او می‌گوید همان طور که می‌دانید بعضی از حرکات دست بین همکاران رادیویی ثابت است و بعضی هم قراردادی. در یکی از برنامه‌ها فیروز کریمی مهمان ما بود. به دلایلی به او پیشنهاد کردیم مجری برنامه هم بشود. کریمی هم پذیرفت. در حین اجرای برنامه من دستم را تکان می‌دادم، ولی نتیجه آن چیزی نمی‌شد که می‌خواستم. به فیروز کریمی گفتم وقتی دستم را به این حالت تکان می‌دهم یعنی سریع‌تر اجرا کن! او گفت: در فوتبال، این حرکت، علامت تعویض بازیکن است! کریمی وقتی به علامت دیگر از سوی من رسید، گفت: در رادیو این علامت به معنی تمام کردن بحث است، ولی در فوتبال یعنی طرف مقابل را متوقف کن، خطا رویش انجام بده و...!

نقش یک خانم اصفهانی را بازی می‌کند که کارشناس مسائل فوتبال در سطح بین‌المللی است و حرف‌های جدی را در قالب طنز بیان می‌کند.

به رستمی نگاه می‌کنم. می‌خندد. می‌گویم چیزی شده؟ می‌گوید: اجرای قشنگ این دو نفر من را خندانند. قریب‌پناه هنر دارد، ولی کمی بی‌نظم است و این آدم را عصبی می‌کند.

اعلام می‌شود تا زمان پخش اذان مغرب به افق تهران، ده دقیقه زمان باقی مانده است. مجری برنامه تازه‌های ورزشی را می‌خواند: «ده نفر بازیکن گرانقیمت جام جهانی معرفی شدند، حدس بزیند نفر اول کیست؟ بله؛ درست حدس زدید. اولین نفر کسی نیست جز لیونل مسی آرژانتینی، نفر دوم هم رونالدو است...» پس از هر خبر، موسیقی کوتاهی پخش می‌شود. به درخشنده اشاره می‌شود که فاصله کمی تا پایان برنامه مانده است. آخرین خبری که مجری برنامه می‌خواند، تیق می‌زند که باعث می‌شود همه بخندند. تازه‌های ورزشی پس از چند دقیقه تمام می‌شود.

وقتی از استودیو بیرون می‌آیم، قریب‌پناه همان جمله را که در ادای آن تیسق زده، تکرار می‌کند. خودش هم خنده‌اش می‌گیرد. در این فاصله چای می‌آورند و فرصتی دست می‌دهد تا با او بیشتر صحبت کنم. از قریب‌پناه می‌پرسم: چرا دیر سر برنامه می‌رسی؟ می‌گوید: زیبایی یک برنامه به حاشیه‌های آن است و چون برنامه حاشیه ندارد من سعی می‌کنم برایش حاشیه‌سازی کنم. در این برنامه علاوه بر شوتی‌بان، ۱۲ نقش دیگر نیز بازی می‌کنم، ولی شوتی‌بان معروف‌ترین آنهاست.

مریم باقری، بازیگر فلفلی (پسرک شیطون و بازیگوش) را هم برای لحظاتی به حرف می‌گیرم. او می‌گوید: فلفلی را همه مخاطبان رادیو ورزش می‌شناسند. کری‌های بسیاری هم در برنامه می‌خواند. در برنامه «یه عصر خوب با ورزش» نقش‌های دیگری هم دارم، از جمله خانم اصفهانی، کارشناس فوتبال، دختر لری و نقش‌های دیگر.

بخش بعدی برنامه را قریب‌پناه اجرا می‌کند و در هر برنامه با زبان طنز اتفاقات روز ورزشی را از زبان وسایل و تجهیزات ورزشی بیان می‌کند. او گاهی با توپ، گاهی با سوت و گاهی با کفش ورزشی، پرچم کمک‌داور و زمین چمن صحبت می‌کند. در برنامه امروز، سوژه سهام یک باشگاه است که برای واگذاری به بخش خصوصی مشکل دارد و قریب‌پناه در اجرای آن، به برخی چالش‌های پیش رو اشاره غیرمستقیم می‌کند. او در اجرای این بخش از برنامه دسته کلید خود را مرتب تکان می‌دهد تا صدای

طول می‌انجامد، رستمی به درخشنده اشاره می‌کند: تمام کن. آهنگ تیم سپاهان آماده پخش است.

در فاصله‌ای که موسیقی پخش می‌شود، رستمی از همکارانش می‌خواهد فضای برنامه عصرگاهی شود. درخشنده با انرژی می‌گوید: «از این که رادیوی خود را روی موج برنامه یه عصر خوب با ورزش کرده‌اید، متشکریم. به پاس این همراهی صدای شما عزیزان را می‌شنویم». مریم باقری، بازیگر نقش فلفلی سریع داخل استودیو می‌رود تا جواب تلفن‌ها را بدهد. شخصی می‌گوید: «فلفلی من هم با تو هم عقیده هستم؛ قرمز ته، فلفلی می‌گوید: قریب آدم چیز فهم! درخشنده می‌گوید: چون پرسپولیس صدر جدول، حالا قرمز شده. اگر هفته آینده تیم ته جدولی بیاد بالا و فلفلی قرمز نمونه درسته!»

مریم رستمی سردبیر برنامه رو به من می‌کند و درباره فلفلی می‌گوید: نقش فلفلی برای مخاطبان برنامه خیلی جذاب است. در هر برنامه درصد زیادی از پیامک‌ها و تماس‌های تلفنی در مورد فلفلی است.

کاش خوانندگان این گزارش هم در استودیو بودند تا حرکات دست مریم رستمی خطاب به مجریان را می‌دیدند. رستمی وقتی می‌بیند این حرکات مورد توجه من قرار گرفته، خنده‌اش می‌گیرد و می‌گوید: آخر برنامه خاطره‌ای از حرکات دست دارم که تعریف می‌کنم.

در همین لحظه مجری برنامه می‌گوید: «مردم پیامک داده‌اند و گفته‌اند بخش فلفلی را از برنامه حذف کنید! فلفلی می‌گوید: بچه هستم، اما سواد دارم. این پیامک رو از کجا آوردی که می‌خونی؟» موسیقی پخش می‌شود تا قریب‌پناه هم داخل استودیو برود.

در این بخش از برنامه، قریب‌پناه نقش شوتی‌بان را بازی می‌کند. بعد از سلام و احوالپرسی و حرف‌هایی که رد و بدل می‌شود، رستمی به صدابردار برنامه می‌گوید: سیدی ۲ را برو و به بازیگران تاکید می‌کند: از روی متن بخوانید و با هم صحبت نکنید! بخش کارشناسی را دو نفری اجرا کنید. در این بخش از برنامه، مریم باقری

تنظیم موج

برنامه «یه عصر خوب با ورزش» جزو برنامه‌های پرشنونده رایو ورزش است که روزهای زوج از ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه تا ۱۸ از موج افام ردیف ۹۲ مگاهرتز روی آنتن این شبکه می‌رود.

۳۰ سال رصد سیاسی در برنامه‌های رادیویی

رخدادهای ایران و جهان در بررسی رویدادهای هفته رادیو ایران ارائه می‌شود

سابقه ۳۰ ساله

سابقه این برنامه به قبل از دهه ۷۰ می‌رسد. این برنامه زیر نظر گروه تحقیق و تفسیر خبر معاونت سیاسی به تهیه کنندگی سرور مزینانی و نویسندگی جعفر قنادباشی، مرحوم منصور پی‌آفرین، دکتر نوذر شفیعی و دکتر حاکم قاسمی صورت می‌گرفت. قالب این برنامه به خاطر شرایط رادیو گفتار محور بود، اما از سال ۱۳۸۱ بر اساس تغییر و تحولاتی که در ساختار برنامه‌های رادیویی ایجاد شد، این برنامه از حالت گفتاری ساده به برنامه ترکیبی تغییر جهت داد. احمد الهی‌قلی، یکی از برنامه‌سازان گروه سیاسی رادیو در خصوص تاریخچه برنامه می‌گوید: از سال ۸۱ تا ۸۷ که من سردبیری برنامه بررسی رویدادهای هفته را به عهده داشتیم، سیمین صداقت و کوروس نصرت‌زاده گویندگان برنامه بودند. همچنین سهیلا درودی و مرتضی حافظی از گویندگان دیگری بودند که با برنامه همکاری داشتند. این برنامه با مناسبت‌های مختلفی از آنتن رادیو ایران پخش می‌شد و بعد از آن تیم‌های مختلفی کار را به عهده گرفتند.



محمد باقری: تهیه‌کننده برنامه

توجه به سیاست‌های حاکم بر برنامه‌های گروه سیاسی رادیو که در طول هفته اتفاق افتاده بیان می‌شود، هر چند کارشناسان برنامه بررسی می‌کنند کدام یک از موضوعات را انتخاب و برای مخاطبان و شنوندگان عزیز مطرح کنند. البته انتخاب آن خبر و رویداد به تیم برنامه‌ساز گروه مربوط می‌شود.

بهر روز منشی ادامه می‌دهد: ممکن است خیلی از دوستان شنونده ما در طول هفته خبرها را دنبال نکرده باشند یا شرایطشان به گونه‌ای باشد که نتوانسته باشند از طریق روزنامه‌ها پیگیر اخبار باشند؛ پس این برنامه می‌تواند اطلاعات خوب و فشرده‌ای در یک زمان ۲۰ الی ۳۰ دقیقه‌ای به شنونده‌ها بدهد و اخبار برجسته و مهمی را که در طول هفته رخ داده به گوش مخاطب خود برساند.

هیجان سیاسی

جواد فیاضی، تهیه‌کننده برنامه با توجه به این که هر برنامه بستگی به موضوع آن، فرم خاصی از لحاظ ترکیب دارد، می‌گوید: ورودیه هر برنامه مخاطب را می‌تواند به خودش جذب کند و تا انتها او را پای برنامه نگه دارد تا به برنامه گوش کند.

او ادامه می‌دهد: رویدادهای اتفاق افتاده را با یک موسیقی تند و سیاسی برای مردم بازگو می‌کنیم و آن هیجان را در آنها به وجود می‌آوریم که تا انتهای برنامه ما را همراهی و مشروح آن رویداد را دنبال کنند.

فیاضی می‌گوید: در این برنامه چون از نظر طراحی برنامه بیشتر به کلام و مستندات رویدادها در هفته گذشته می‌پردازیم، بیشتر از آرم استیشن و پالس‌های سیاسی کوتاه استفاده می‌شود که فرم برنامه جذاب و شنیدنی‌تر شود. همچنین برای معرفی هر بخش از برنامه از یک موسیقی خاص و شناخته شده استفاده می‌شود که شنونده حرفه‌ای این برنامه با شنیدن آن موسیقی خاص بتواند تشخیص دهد در حال حاضر چه بخشی از برنامه در حال پخش است.

او ادامه می‌دهد: تهیه‌کننده برنامه‌های سیاسی باید در جریان اخبار و رویدادهای اتفاق افتاده داخل و خارج از کشور باشد تا بتواند از قبل، حضور ذهن برای طراحی باکس‌ها و موسیقی‌های رویدادهای اتفاق افتاده را پیش‌بینی کند. به طور مثال در مذاکرات ژنو، هفته دولت، دفاع مقدس و سایر مناسبت‌ها تهیه‌کننده باید با حضور ذهن و انتخاب موسیقی‌های مورد نظر برای برنامه چینی مناسبی داشته باشد.

متعدد استفاده شود تا دیدگاه‌های متفاوت در خصوص مسائل سیاسی و بین‌المللی برای مخاطبان ارائه شود. همچنین از ارائه تحلیل‌های یکسان و خسته‌کننده اجتناب می‌شود.

ظریف که از سال ۸۱ کارش را با گروه مطالعات بین‌الملل اداره آموزش و پژوهش سیاسی سازمان صدا و سیما شروع کرده در خصوص ویژگی‌های برنامه سیاسی می‌گوید: برنامه سیاسی باید با توجه به سیاست‌ها و مصالح کشور و رسانه ملی ابعاد مختلف یک رویداد یا تحول سیاسی را برای مخاطب بازگو کند. البته در تولید برنامه باید ارتقای سطح علمی و تحلیلی مخاطبان را در نظر داشت و با توجه به شاخصه‌های فوق نسبت به تولید برنامه اقدام کرد. البته باید توجه داشت محدودیت‌های متعددی در تولید برنامه‌ها وجود دارد. به طور مثال مدت زمان برنامه رویدادهای هفته به گونه‌ای است که امکان تحلیل همه جانبه رویدادها وجود ندارد و ما مجبوریم به دلیل بخش‌های متعدد در ارائه تحلیل‌ها بسیار موجز و کوتاه از کنار آن بگذریم.

اجرا در چارچوب خاص

پروانه بهروزمنش، گوینده برنامه می‌گوید: کار گوینده‌ها و مجریان برنامه‌های سیاسی از نظر ویژگی‌های صدا، نحوه اجرا و لحنی که در حین اجرا دارند، مقداری متفاوت‌تر از دیگران است. صدای مجری یا گوینده برنامه سیاسی در درجه اول باید از یک ویژگی خاص، پختگی بالا و توانایی صوتی خاص و اثرگذاری برخوردار باشد که بتواند پیام آن مطلب و متنی را که می‌خواند به مخاطب و شنونده‌اش برساند. البته این ویژگی در کارهای غیرسیاسی هم حاکم است، اما در مورد کارهای سیاسی که حساسیت خاصی دارد، مساله در این قضیه دوچندان می‌شود. لحن باید با توجه به متنی که به گوینده داده می‌شود با همان فضای متن و نوشته شکل بگیرد. صدا باید پر باشد و از همه مهم‌تر این که مجری یا گوینده اشراق و تسلط کافی داشته باشد.

بهر روزمنش با توجه به تحصیلاتش که کارشناسی مترجمی زبان آلمانی است، به عنوان مترجم زبان آلمانی در واحد مرکزی خبر در بولتن برنامه‌های سیاسی کارش را آغاز کرد و تقریباً تجربه ۲۰ سال اجرای برنامه‌های سیاسی را - چه در رادیو و چه در تلویزیون - به عنوان نریشن‌خوان تفسیرهای سیاسی به عهده داشته است. او در خصوص برنامه بررسی رویدادهای هفته می‌گوید: در این برنامه مهم‌ترین رویدادهای هفته با

جهان را در هفته گذشته دربر می‌گیرد. در این برنامه دو موضوع اصلی به صورت تحلیلی و با حضور کارشناسان مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد و ابعاد مختلف آن رویداد را برای شنوندگان تحلیل می‌کند.

در بخش فراسو (که زهره زمانی پور آن را آماده می‌کند)، مهم‌ترین اخبار جهان اسلام برای شنوندگان عنوان می‌شود. با توجه به زمان کم برنامه، قابلیت تحلیل رویدادهای مختلف از جمله اخباری که در بخش فراسو منعکس می‌شود، وجود ندارد و تنها خبر و حواشی آن برای شنوندگان بازگو می‌شود. در بخش دیگر برنامه فاطمه توکلی، گزارشگر برنامه، گزارشی از اخبار قوای سه گانه ارائه می‌کند که عمده‌ترین اخبار قوای سه گانه را مصوبات دولت و مجلس شورای اسلامی تشکیل می‌دهد و در صورت وجود اخباری از قوه قضاییه مورد توجه قرار می‌گیرد. در بخش پایانی برنامه هم یادداشت هفته پخش می‌شود که معمولاً خود آن را می‌نویسم و یکی از موضوعات مهم جامعه را چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی مورد بررسی قرار می‌دهد.

از ظریف می‌پرسم در برنامه بیشتر از نظر کارشناسی چه کسانی استفاده می‌کنید که می‌گوید: بیشتر از کسانی که در مسائل سیاسی فعال هستند مثل نماینده‌های مجلس یا مسئولان اجرایی یا کسانی که



در سازمان‌ها و نهادها فعال هستند، دعوت می‌کنیم به عنوان کارشناس در برنامه حضور یابند. هر چند در تولید برنامه‌های سیاسی تلاش می‌شود از کارشناسان

زهره زمانی

اینجا استودیوی شماره ۱۴ ساختمان شهدای رادیو محل ضبط برنامه «بررسی رویدادهای هفته» کاری از گروه سیاست رادیو ایران است؛ برنامه‌ای که جمعه‌ها از ساعت ۱۴ و ۳۰ دقیقه روی آنتن می‌رود. آرم برنامه با صدای مرتضی حافظی پخش می‌شود. پروانه بهروزمنش (گوینده) ابتدا اتفاقات و رویدادهایی را که هفته گذشته در ایران و جهان رخ داده به صورت کوتاه مرور می‌کند. پس از آن طی یک ارتباط تلفنی که بهروزمنش با کارشناسان برنامه برقرار می‌کند، موضوعات اصلی برنامه مطرح می‌شود. در بخش اول سیدرضا حسینی، تحلیلی بر سخنان رهبر معظم انقلاب را - که در جمعی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی برگزار شده - ارائه می‌کند. مهدی ذوالفقاری، استاد دانشگاه و جواد خواجه‌پور از کارشناسان مسائل سیاسی در خصوص صحبت‌های باراک اوباما در مرکز صهیونیستی سایان صحبت می‌کنند. وقتی جواد فیاضی (تهیه‌کننده) یک نریشن سیاسی پخش می‌کند در بخش فراسو، نگرانی اتحادیه اروپا از حضور عناصر افراطی اروپایی میان گروه‌های تروریستی سوریه مطرح می‌شود. تلاش وزیر دفاع آمریکا برای امضای توافق نامه امنیتی واشنگتن و کابل و بیان ادامه مخالفت‌های هواداران اخوان المسلمین با دولت مستقر در قاهره از دیگر موضوعات این برنامه است.

اجتناب از تحلیل‌های خسته‌کننده

در فرصتی که ایجاد می‌شود با علی ظریف، سردبیر برنامه صحبت می‌کنم. او می‌گوید: این برنامه عمده‌ترین محورهای خبری و تحلیلی سیاسی رخ داده در ایران و

اجرای برنامه‌های سیاسی، خشک نیست

نیستم و متاسفانه این به غلط در برنامه‌های سیاسی جا افتاده است. معتمد خیلی راحت می‌شود حتی در متن‌های برنامه‌های سیاسی هم به گونه‌ای دست به خلاقیت زد که برای مخاطب جذاب باشد. البته این به تبخیر و مهارت گویندگان و تجاربی که در طول سال‌های کاری کسب کرده‌اند، برمی‌گردد. برنامه‌های سیاسی چارچوب دارند اما خشک نیستند. این برنامه‌ها را باید در یک چارچوب خاصی اجرا کرد.

از بهروزمنش می‌پرسم برخی می‌گویند برنامه سیاسی برنامه‌های خشک است و اجرای چنین برنامه‌ای برای مجریان نرم نیست. بهروزمنش می‌گوید: من با واژه خشک زیاد موافق



تبلور نشاط معنوی در یک برنامه صبحگاهی

سیمای پویا

برای تهیه گزارشی از پشت صحنه ضبط برنامه «والشمس» رادیو قرآن، به استودیو رادیو قرآن می‌روم. وقتی وارد استودیو می‌شوم چند دقیقه تا شروع برنامه فرصت باقی مانده است. محبوبه کلانتر، سردبیر و تهیه‌کننده برنامه از طریق بی‌سیم با مهدی صفری مجری - کارشناس برنامه صحبت می‌کند. ده ثانیه دیگر برنامه شروع می‌شود.

«به صبح سلامی دوباره می‌کنیم و می‌گوییم خدایا به امید تو که هر چه هست، از آن توست.» مهدی صفری در ادامه برنامه به زمان طلوع خورشید اشاره می‌کند و می‌گوید: «سامانه پیامکی ۳۰۰۰۰۱۰۰ و تلفن ۲۲۰۴۳۰۱۷ پل ارتباطی ما و شما دوستان عزیز است. موضوع برنامه امروز زبان است، چقدر حق زبان را به جا می‌آوریم؟ عنصری کوچک در بدن که جرم کمی دارد، اما جرم بسیاری مرتکب می‌شود.» سردبیر برنامه به صفری اشاره می‌کند. ذکر صلوات کوتاهی پخش می‌شود. در ادامه مجری - کارشناس برنامه می‌گوید: منتظر شنیدن صدای شما دوستان هستیم، لطفاً ما را همراهی کنید. به ساعت ۶ و ۴۵ دقیقه نزدیک می‌شویم و بچه‌های خوب این میوه‌های زندگی را بیش از این منتظر نمی‌گذاریم و بخش بچه‌های خورشید را می‌شنویم.

فاطمه قاسم‌آبادی، مسئول هماهنگی برنامه به سردبیر می‌گوید: تلاوت آیاتی از قرآن توسط قاری نوجوان به مدت ۸۰ ثانیه آماده است. سردبیر برنامه، پخش این بخش را تأیید می‌کند. سپس آیتم بچه‌های خورشید با اجرای مهدی اکبری (همان عمو اکبری بچه‌ها) پخش می‌شود. کلانتر رو به من می‌کند و درباره این بخش توضیح می‌دهد: با هدف آشنایی کودکان و نوجوانان با احادیث و قصه‌های قرآنی هر روز پنج دقیقه آیتم نمایشی بچه‌های خورشید پخش می‌شود.

پس از پخش وله قرآنی، خبرهای قرآنی کشور خوانده شد. در همین زمان محمدحسین محمدزاده، مدیر رادیو قرآن با استودیو تماس می‌گیرد و با محبوبه کلانتر صحبت می‌کند. کلانتر سپس خطاب به عوامل می‌گوید: حاج آقا تأکید می‌کنند درباره مسابقه‌های قرآنی ابرار توضیحات بیشتری داده شود.

آیتم سوره توحید، هر روز ساعت ۷ صبح پخش می‌شود. در روایات از حضرت علی (ع) آمده سوره توحید را هر روز ۱۱ بار تلاوت کنید تا در آن روز گناه جدیدی سراغ شما نیاید. در این بخش از برنامه ۱۱ بار سوره توحید با صدای قاریان مختلف تلاوت می‌شود.

محبوبه کلانتر، می‌گوید: این برنامه کاری از گروه اطلاع‌رسانی رادیو قرآن است و با هدف ایجاد شور و شوق معنوی در ساعات اولیه روز به مخاطبان ارائه می‌شود. یک برنامه صبحگاهی خوب می‌تواند به مخاطبان خود انرژی مضاعف بدهد تا آنها با یک نگاه تازه و روحیه‌ای عالی، تمام روز را با نشاط و شادی سپری کنند. نکته حائز اهمیت این است که در برنامه‌های صبحگاهی نباید دچار روزمرگی



شد، زیرا این موضوع موجب می‌شود مخاطبان برنامه کسل شوند. به همین دلیل تعداد زیادی از تماس‌های تلفنی مردم پخش می‌شود، چراکه معتقد با کمک مخاطبان برنامه، بهتر می‌شود پیام برنامه را انتقال داد.

سردبیر برنامه از مجری - کارشناس برنامه می‌خواهد حدیث بخواند و در ادامه چند تلفن پخش می‌شود. صفری می‌گوید: تعداد پیامک‌های ارسالی زیاد است، زمان بدهید تا پیامک هم بخوانم. در ادامه صفری حدیثی را درباره اهمیت خواندن آیه‌الکرسی در هر روز از رسول خدا نقل می‌کند و در ادامه آیه‌الکرسی پخش می‌شود. در ادامه برنامه، صفری می‌گوید: از این‌که از سراسر ایران با برنامه والشمس در ارتباط هستید از شما دوستان عزیز سپاسگزار می‌کنم. در یکی از پیامک‌ها آمده کسی که بد زبان باشد خداوند به او نگاه رحمت نمی‌کند و این بدترین عذاب است.

اواخر ضبط برنامه محمدحسین محمدزاده، مدیر رادیو قرآن وارد استودیو پخش می‌شود. او بعد از سلام و احوالپرسی با تمام افرادی که در استودیو هستند یک فلش مموری چهار گیگ هدیه می‌دهد! دلیل هدیه دادن را می‌پرسم. محمدزاده می‌گوید: امروز میلاد امام موسی کاظم (ع) است. در دین مبین اسلام سفارش شده در اعیاد به یکدیگر هدیه بدهید و به همین منظور، از شب گذشته در حال هدیه دادن به همکاران هستیم. محمدزاده در ادامه درباره برنامه صحبت می‌کند و می‌گوید: پخش برنامه والشمس، از مهر ماه امسال شروع شده است. اسم برنامه برگرفته از یکی از سوره‌های قرآن کریم است. معتقدم این برنامه پنجره‌ای است که از طریق آن، پرتوهای خورشید

۴۳۹۸- -۰۹۱۲: از برنامه «ورزش از نگاه دو» گزارشی داشته باشید. ضمن این‌که از پخش گفت‌وگویی می‌شم زمان آبادی با امیر علی اکبری، کشتی‌گیر محروم شده در این برنامه تشکر می‌کنم.

گزارش سری جدید این برنامه در صفحات اصلی روزنامه جام جم منتشر خواهد شد.

۳۴۲۲- -۰۹۳۰: به‌عنوان یک مستندساز از پوشش جشنواره سینماحقیقت از سوی شبکه‌های تلویزیونی تشکر می‌کنم.

۱۲۸۰- -۰۹۱۷: لطفاً با بازیگرانی چون مهران غفوریان، آناییتا همتی، بهاره رهنما، رامتین خداپناهی، رز رضوی، متین ستوده، بهروز رضوی، مهراوه شریفی‌نیا و ملیکا شریفی‌نیا گفت‌وگو کنید.

با برخی از این چهره‌ها در قالب کوچک گفت‌وگو شده است، اما پیشنهاد شما را مطرح می‌کنیم.

۳۸۷۲- -۰۹۱۲: حضور احمد طالبی‌نژاد و جواد طوسی در برنامه هفته گذشته هفت خیلی آموزنده بود و نشان داد نقد، با توهین و جنجال فرق می‌کند. از سازندگان این برنامه متشکرم.

۳۱۲۲- -۰۹۱۲: بازگشت مریم شیرزاد به رادیو خوشحال‌کننده بود. از گفت‌وگویی قالب کوچک با او تشکر می‌کنم.

۳۲۰۰- -۰۹۱۲: گفت‌وگوهایی که راجع به ساختن بخش‌هایی از سریال‌های ایرانی در کشورهای خارجی داشتید، گویای این بود که باید با استفاده از فضاهای خارج از کشور و نیز بازیگران خارجی، سریال‌ها را جذاب‌تر کرد.

۲۳۳- -۰۹۲۵: به‌نظرم گزارش‌های پخش شده از جشنواره «سینماحقیقت» در شبکه مستند به دلیل استفاده از یک مجری خانم ناآشنا به سینما ضعیف بود و انتظار بیشتری از این شبکه می‌رود.

۳۳۹۹- -۰۹۱۲: از سازندگان برنامه «روزی روزگاری» شبکه ورزش می‌خواهم در انتخاب منصور ضابطیان برای برنامه روزی روزگاری تجدیدنظر کنند، چون او اطلاعات ورزشی مناسبی ندارد و فقط با تبخیر در اجرا، برنامه را جلو می‌برد.

۳۴۳۸- -۰۹۱۲: به‌عنوان یکی از بینندگان برنامه‌های شبکه دو بویژه برنامه «زنده‌باد زندگی» از این‌که این شبکه برای خانواده‌های ایرانی برنامه‌های خوب و مناسبی پخش می‌کند، تشکر می‌کنم.

۲۰۳۱- -۰۹۱۲: لطفاً پشت صحنه برنامه‌های «نود» و «هفت» گزارش تهیه کنید.

از اولین قسمت‌های برنامه هفت گزارش پشت صحنه تقدیم شده، اما با توجه به تحولات این برنامه در این زمینه حتماً اقدام خواهیم کرد، ضمن آن‌که تهیه پشت صحنه برنامه نود را هم در برنامه داریم.

۳۴۱۰- -۰۹۳۶: لطفاً با دبلورهایی مثل اکبر منانی، خسرو خسروشاهی، بهرام زند، منوچهر والی‌زاده، شوکت حجت، چنگیز جلیلود، افشین زی‌نوری، ناصر طهماسب و منوچهر اسماعیلی گفت‌وگو کنید.

با بعضی از هنرمندانی که نام بردید، گفت‌وگو کرده‌ایم اما با بقیه چشم!

۷۸۷۷- -۰۹۳۹: از دست‌اندرکاران تلویزیون برای راه‌اندازی شبکه تلویزیونی تماشا تشکر می‌کنم. پخش سریال‌های مطرح از این شبکه در بهترین ساعات‌ها خیلی طرفدار پیدا کرده و اوقات فراغت و استراحت مردم را پر کرده است.

۹۲۱۱- -۰۹۱۲: به‌نظر من از برنامه «نود» باید هر هفته قدردانی شود.

به سمت خانواده‌ها تابیده می‌شود. او در ادامه می‌گوید: در برنامه والشمس از قرآن و احادیث شریف پیامبر بزرگوار اسلام و معصومین (ع) خوانده می‌شود. قرآن خورشیدی است که با تلاوت آن زندگی‌ها و خانه‌های تاریک نورانی می‌شود. خانه‌ای که در آن تلاوت قرآن شنیده و خوانده می‌شود، همچون ستارگان می‌درخشد. در برنامه والشمس، همکاران تلاش می‌کنند نشاط، طراوت و معرفت معنوی را در فضای دل‌انگیز صبحگاهی به مخاطبان برنامه هدیه بدهند.

در ادامه برنامه، طی یک ارتباط زنده تلفنی که با رئیس فرهنگسرای اندیشه برقرار می‌شود، او درباره برگزاری مسابقه‌های ابرار صحبت می‌کند. بحث کمی طولانی می‌شود و سردبیر برنامه کمبود زمان را به مجری گوشزد می‌کند. با خداحافظی مجری، برنامه به پایان می‌رسد.

پس از اتمام برنامه، با مهدی صفری مجری - کارشناس برنامه گفت‌وگو می‌کنم. او می‌گوید: رسانه‌ای همچون رادیو می‌تواند با ایجاد بستری مناسب برای فراهم آوردن آرامش روانی شنوندگان کارکرد مناسبی داشته باشد. لحن مجری برنامه صبحگاهی با دیگر برنامه‌ها متفاوت است، اما معتقدم نمی‌توان با قیل و قال به مخاطب انرژی و امیدواری داد. هنر مجری برنامه صبحگاهی این است که در ساعات اولیه صبح ساده و بانرژی صحبت کند. البته منظور از ساده صحبت کردن، سطحی سخن گفتن نیست. صفری همچنین می‌گوید: برنامه‌های مختلفی را در رادیو قرآن اجرا می‌کنم، اما برنامه والشمس، اولین اجرای برنامه صبحگاهی من است. زمانی که اجرای این برنامه را پذیرفتم از استادان خود راهنمایی خواستم تا در حد توان بتوانم حق مخاطبان را ادا کنم.

تنظیم موج

مجله شنیداری «والشمس» برنامه صبحگاهی رادیو قرآن است که از اول مهر ماه صبح‌ها از ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه تا ۸ صبح به صورت زنده روی موج افام ردیف ۱۰۰ مگاهرتز روزهای شنبه تا چهارشنبه از رادیو قرآن پخش می‌شود. جدول پخش برنامه والشمس در روزهای مختلف هفته، شاهکارهای تلاوت قاریان داخلی و خارجی، تلاوت خانواده‌های شهدا را روی آنتن می‌برد.



همکاری کند. آنها نبود موفقیت مالی چند فیلم اخیر این قهرمان سابق بدنسازی جهان در جدول گیشه نمایش سینماها را دلیل اصلی این ادعا می‌دانند. به گفته آنها، اکنون که تماشاگران سینما استقبالی از فیلم‌های اکشن وی روی پرده سینماها نمی‌کنند، قالب کوچک تلویزیون بهترین مکان برای ادامه فعالیت‌های اوست. در عین حال، مجموعه‌ای مثل ترمیناتور می‌تواند دوباره نام وی را در سطح وسیعی مطرح کند و شهرت تازه‌ای (این بار در یک قالب تازه) برایش به همراه بیاورد.

تیم دو نفره اشلی میلر و زک استینز (نویسندگان فیلمنامه فیلم‌های موفق «تور» و «مردان ایکس: کلاس اول») برای نوشتن فیلمنامه چند اپیزود اول مجموعه تلویزیونی ترمیناتور دعوت به همکاری شده‌اند. آنها تا اواسط فصل بهار ۲۰۱۴ فیلمنامه‌های خود را به تهیه‌کنندگان مجموعه خواهند داد. قرار است چند فیلمنامه‌نویس جوان برای همکاری با این طرح دعوت شوند و میلر و استینز رهبری و هدایت آنان را به عهده گیرند. کارگردان اپیزود اول مجموعه که با نام پایلوت (اپیزود آزمایشی که به صورت یک فیلم سینمایی تلویزیونی ۹۰ دقیقه‌ای ساخته می‌شود) جلوی دوربین می‌رود، هنوز مشخص نشده است، اما به دلیل اهمیت موضوع، به احتمال زیاد یکی از فیلمسازان سرشناس دنیای سینما وظیفه کارگردانی آن را به عهده خواهد گرفت. اکنون، اطلاع از زمان شروع کار فیلمبرداری ترمیناتور تلویزیونی نیست و تهیه‌کنندگان قول داده‌اند بزودی اطلاعات ضروری را در اختیار رسانه‌های گروهی خواهند گذاشت.



نسخه اصلی ترمیناتور سال ۱۹۸۴ فروشی ۳۸ میلیون دلاری در سینماهای آمریکای شمالی داشت. فیلم با هزینه تولید شش میلیون دلاری تهیه شد و از آن به عنوان حرکتی تازه در دنیای سینما یاد شد. قصه و جلوه‌های ویژه فیلم بشدت مورد توجه تماشاگران و منتقدان قرار گرفت. قسمت دوم فیلم سال ۱۹۹۱ موفقیت بیشتری کسب کرد و با هزینه تولید ۱۰۲ میلیون دلاری خود - که در آن زمان رقم کلانی محسوب می‌شد - سنت تازه‌ای را در تولید فیلم‌های گرانتقیمت پایه‌گذاری کرد. ۲۰۴ میلیون دلار در آمریکای شمالی فروش کرد. سومین قسمت فیلم سال ۲۰۰۳ از سوی جمیز کامرون کارگردانی نشد و موفقیت زیادی کسب نکرد. آرنولد شوارتزنگر، بازیگر اصلی این مجموعه فیلم، در قسمت چهارم آن در سال ۲۰۰۹ حضور نداشت. مجموعه تلویزیونی ترمیناتور در حالی جلوی دوربین می‌رود که رسانه تلویزیون در سال ۲۰۰۸ مجموعه ترمیناتور، وقایع‌نگاری سارا کانر را تولید کرد. قصه این مجموعه پس از پایان قصه ترمیناتور ۳ اتفاق می‌افتد و سارا کانر - و نه خود ترمیناتور - شخصیت اصلی آن بود.

قاب‌کوچک

نظر و پیشنهاد خود را درباره این ضمیمه به نشانی تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر روزنامه جام‌جم یا پست الکترونیکی ghabekoochak@jamejamonline.ir بفرستید یا به شماره ۳۰۰۰۱۱۲۲۱ پیامک بزنید.

سفر ترمیناتور از سینما به تلویزیون



اسکرین اینترنشنال / مترجم: کیکاووس زیاری

برخورد به شکلی خلاقه، جذاب و دراماتیک صورت خواهد گرفت و باعث تعجب و شگفتی تماشاگران خواهد شد. مطمئن هستیم هر دو گروه تماشاگران تلویزیون و سینما از دیدن این ماجراجویی‌ها و تلافی آنها در یکدیگر استقبال خواهند کرد.»

با وجود این، الیسون توضیح بیشتری درباره قصه مجموعه تلویزیونی خود نمی‌دهد. اهل فن می‌گویند احتمال همکاری جمیز کامرون کارگردان دو قسمت اول و دوم فیلم با مجموعه تلویزیونی آن بسیار کم است و او نه فقط به عنوان کارگردان یکی از اپیزودها با آن همکاری نخواهد داشت، بلکه در مقام مشاور یا مدیر تولید هم در کنار آن نخواهد بود. حال این پرسش از سوی اهل فن مطرح است که آیا آرنولد شوارتزنگر، قهرمان سابق اکشن سینما (که با قسمت اول ترمیناتور به چهره شاخص سینما در دهه ۸۰ میلادی تبدیل شد) با مجموعه تلویزیونی آن همکاری می‌کند یا خیر. او در نسخه سینمایی فیلم در نقش یک آدم آهنی بی‌احساس بازی کرد که به عنوان یک موجود بیگانه فضایی، راهی کره زمین می‌شود تا یک مادر مجرد و پسر کوچک او را به قتل برساند. منتقدان تلویزیونی می‌گویند بعید می‌دانند در قصه مجموعه تلویزیونی، شخصیت ترمیناتوری وجود داشته باشد که ایفای نقش او به آرنولد شوارتزنگر سپرده شود. در عین حال، برخی تحلیلگران هنری عقیده دارند به نفع آرنولد است که به عنوان بازیگر اصلی، با مجموعه تلویزیونی ترمیناتور

ترمیناتور در دست نیست و رسانه‌های گروهی تلاش زیادی دارند تا اخبار کامل و موثقی درباره آن به دست بیاورند. تا به حال مشخص شده قصه مجموعه قصد دارد لحظه‌ای بحرانی و حیاتی از قصه اولین ترمیناتور را - که سال ۱۹۸۴ اکران عمومی شد - به نمایش بگذارد. به این ترتیب، قصه مجموعه از قصه کلی مجموعه فیلم سینمایی آن جدا می‌افتد و وارد مرحله و مسیر تازه‌ای می‌شود. برخی منابع نزدیک به پروژه هم می‌گویند این قصه تا حد زیادی شبیه قصه قسمت اول ترمیناتور خواهد بود، ولی در جهت کاملاً متفاوتی اتفاق می‌افتد و ماجراها را به شیوه متفاوتی تعریف می‌کند. در حالی که سری جدید مجموعه فیلم در سه قسمت و به عنوان یک تریلژی (سه‌گانه) تهیه و تولید خواهد شد، مجموعه تلویزیونی در ۱۳ قسمت ساخته می‌شود. تهیه‌کنندگان مجموعه پس از پخش اپیزودهای اول آن و نوع استقبال تماشاگران تلویزیونی درباره آینده آن تصمیم خواهند گرفت. احتمال زیادی وجود دارد که فصل دوم مجموعه - و همچنین فصل‌های بعدی آن هم - در دستور تولید قرار گیرد.

دیوید الیسون درباره همزمانی تولید دو نسخه سینمایی و تلویزیونی ترمیناتور می‌گوید: «این دو اثر در ارتباط مستقیم با یکدیگر قرار دارند و به نوعی، ماجراهای یکدیگر را کامل می‌کنند. روایت‌های قصه او مجموعه تلویزیونی و فیلم سینمایی در یکدیگر ادغام شده و سر از دنیای همدیگر درمی‌آورند. این تلافی و

در حالی که صنعت سینما خودش را آماده تولید قسمت جدیدی از مجموعه فیلم علمی - تخیلی و آینده‌نگرانه «ترمیناتور» می‌کند، خبر می‌رسد ساخت مجموعه‌ای تلویزیونی هم در دستور تولید رسانه تلویزیون قرار گرفته است. در حالی که نسخه جدید سینمایی ترمیناتور به احیای این مجموعه فیلم می‌پردازد، نسخه تلویزیونی هم به نسخه جدید وفادار خواهد بود و در حال و هوایی شبیه آن ساخته خواهد شد. مجموعه تلویزیونی ترمیناتور را شرکت اسکای دانس با همکاری شرکت آناپورنایکچرز تهیه خواهد کرد.

آناپورنایکچرز، مالک اصلی و قانونی قصه مجموعه فیلم ترمیناتور و شخصیت‌های آن است. این شرکت، مجموعه فیلم جنجالی و پرسروصدای خود را طی سه دهه گذشته با همکاری شرکت لایت‌استورم اینترتیمنت تهیه کرده است. دیوید الیسون، مدیر شرکت آناپورنایکچرز می‌گوید حال و هوای مجموعه تلویزیونی ترمیناتور شبیه نسخه‌ای خواهد بود که آن تیلور برای سال ۲۰۱۵ آماده نمایش خواهد کرد. به این ترتیب، قصه مجموعه تلویزیونی شبیه نسخه اصلی که جمیز کامرون در دهه ۸۰ میلادی کارگردانی کرد، نخواهد بود و نسخه‌ای احیا شده از ماجراجویی شخصیت‌های اصلی و فرعی ترمیناتور ارائه خواهد کرد. اکنون اطلاعات زیادی درباره مجموعه تلویزیونی

روایت زندگی لورل و هاردی در تلویزیون

این فیلم تلویزیونی ۹۰ دقیقه‌ای با نام «استن و اولی» جلوی دوربین خواهد رفت. فیلمنامه را جف پاپ می‌نویسد که برای فیلمنامه «خانم بیگز» شهرت زیادی دارد. جف پاپ از چند هفته دیگر، کار نگارش فیلمنامه را آغاز می‌کند. خط اصلی قصه این فیلم تلویزیونی درباره تور هنری سال ۱۹۵۳ انگلستان لورل و هاردی است. ماجراهای مربوط به این سفر در قصه فیلم به تصویر کشیده می‌شود. برخورد تماشاگران انگلیسی با این دو کمدین و موضعگیری‌های مسئولان استودیویی در قبال آنها، بخش مهمی از قصه استن و اولی را تشکیل می‌دهد. به دنبال بازگشت از این سفر بود که هاردی همسرش را طلاق داد و به‌سختی بیمار شد. او یک حمله قلبی کرد و مدتی پس از آن درگذشت. لورل هم به دنبال این ماجرا، بازیگری را کنار گذاشت و دیگر هیچ وقت جلوی دوربین ظاهر نشد. دنی کوهن، مدیر شبکه‌های بی.بی.سی که تهیه‌کننده استن و اولی است، می‌گوید از مدت‌ها قبل در تدارک تولید این فیلم تلویزیونی بوده است. او گفته است: «تولید این فیلم، یکی از وسوسه‌ها و علایق بزرگم بوده و سال‌هاست می‌خواهم این قصه تلخ و تراژیک را به تصویر بکشم. زندگی کمدین‌های بزرگ سینما همیشه با تلخی و سختی‌های زیادی همراه بوده و برای تماشاگران تلویزیونی، دیدن این قصه‌ها با جذابیت خاصی همراه خواهد بود.» قرار است این فیلم تلویزیونی پس از آماده شدن، از بخش بین‌المللی شبکه بی.بی.سی روی آنتن برود.



شبکه تلویزیونی بی.بی.سی یک فیلم تلویزیونی شرح‌حال گونه درباره لورل و هاردی، دو کمدین سرشناس و کلاسیک سینما تولید می‌کند. این فیلم تلویزیونی هم مثل کارهای هنری این دو کمدین، با حال و هوای کمدی کلاسیک تهیه و تولید خواهد شد. شرکت مستقل فیلمسازی وینستن هم - که تولیدکننده محصولات مستقل و غیرمتعارف تلویزیونی و سینمایی است - در تولید این درام شرح‌حال گونه با شبکه بی.بی.سی همکاری دارد.